

## سیاست انگلیس

انگلیس امروز به طور غیرمستقیم و بدون هیچ گونه مسئولیتی قدرت سیاسی کامل در ایران اعمال می‌دارد. با جزئی توجیهی دولت ایران را به طرف خود [می‌کشد] و طرق و شوارع ایران را امن [می‌کند] و تجارت خود را در تمام مملکت دَوْران می‌دهد و هر گونه امتیازات نافی هم در نظر گرفت با سیاست گرفتن آن برای انگلیس آسان است و بدون اشکال چنین امتیازاتی را به دست می‌آورد. چنان که قبلاً چند امتیاز مهم به خصوص امتیاز نفت که از مهمترین امور سیاسی [و] بازرگانی است به دست آورده و نفوذ خود را کاملاً مستحکم گردانده است. از این رو می‌توان امیدوار بود که انگلیس با سیاستی که دارد قدمی در ضعف ظاهری استقلال ایران برنخواهد داشت.

## وظیفه ایرانیان

در هر صورت باید دانست که امروز بیش از هر وقت سرنوشت ایران در خود ما ایرانیان است. ایرانی باید بداند که بایستی آزاد و ترقی خواه باشد. ایرانی باید کشور خود را به بازرگانی و تکثیر مصنوعات باز نماید. دیگر وقت ایستادن و تماشا کردن و وقت گذراندن و منتظر فرصت موهوم بودن گذشته است. استقلال مملکت مردانگی لازم دارد. استقلال مملکت نیازمند به کار است. اگر ما ایرانیان مردانه بکوشیم و مانند بعضی از ملل ضعیف خودمان را تسلیم قضا و قدر ننماییم و دست روی دست نگذاشته در خواب غفلت فرو نرویم، دیر زمانی نخواهد کشید که ما ایرانیان خواهیم توانست خود را در مقابل دشمن خارجی محفوظ بداریم، امور خودمان را بتوانیم خودمان اداره کنیم. در بازار بازرگانی دنیا شرکت نماییم. احتیاجات ملی خودمان را از صنایع داخلی تأمین [کنیم] و طرق و شوارع خود را ساخته و [آنها را] برای بازرگانی و آمد و رفت خود امن

بنماییم. انتظامات مملکت را خودمان به ترتیبات امروزی بر عهده بگیریم. ملوک الطوائفی و ایل‌نشینی را از ایران براندازیم و دولتی مانند دول مترقی امروزی [ایجاد کنیم] که نه تنها مسئول سرنوشت خود ملت ایران، بلکه مسئول در سرنوشت تمام ملل باشیم. نفوذ دولت ما بتواند در تمام مرزهای مملکت مانند مرکز نافذ و ثابت باشد.

## قطره و دریا

امروز روزی است که ما ایرانیان باید کلاه خود را قاضی کنیم و تعصب را کنار بگذاریم و با نظر انصاف بنگریم و خودمان را همان طور که هستیم ببینیم. آیا مردان سیاسی امروزی داریم؟ آیا از فرهنگ امروزی آن طور که بایسته و شایسته است بهره‌مند شده‌ایم؟ آیا میان خودمان وحدت کامل داریم؟ و آیا با این روشی که داریم ممکن است آن وحدت را به دست آوریم؟ آیا آن تربیت سیاسی که امروز لازم است فرا گرفته‌ایم؟ آیا مسائل سیاسی خودمان را پخته کرده‌ایم که راجع به آنها متحد باشیم؟ آیا کارگران و صنعتگران امروزی داریم؟ آیا میان زندگی امروزی ما و زندگی قرون وسطایی اختلاف زیادی دیده می‌شود؟ آیا خودمان را با دنیای امروزی مانوس ساخته‌ایم؟ باید بدانیم که دنیای امروزی ادوات و ابزار و فکر امروزی را لازم دارد و بالاخره باید خودمان را حاضر کنیم که برای آبادانی کشور و استحکام استقلال مملکت کوشش نماییم. امروزه قطره‌ای هستیم در مقابل دریای ترقیات مادی امروزی. باید این قطره را جریان مهمی از آبهای این دریا قرار دهیم بدون اینکه شخصیت و ملیت خود را از دست بدهیم.

## حفظ قومیت

ایرانی باید ایرانی بماند ولی ترقیات امروزی را به خود گیرد. اخلاق خوب

خصوصی ایرانی باستان را باید حفظ کند ولی خودمان را با اخلاق عمومی و سیاسی امروزی آشنا سازیم. به طور کلی ما ایرانیان باید در حفظ قومیت محافظه کار باشیم ولی در کار و در عمل آزاد و ترقی خواه. اینها آرزوی نگارنده این سطور است. خیال نکنید که این آرزوها مشکل است به دست آید. برعکس مقابل مشیت حق و احساسات یک عده مردم حساس اصلاً غیرممکن بلکه مشکل هم نیست. امروز باید به میدان کوشایی امروز وارد شویم. کوچک بینی و کوتاه نظری را کنار بگذاریم و با سایر کشورهای مترقی همراه شویم و تا آن حد که لازم است و کوشایی بدان موفق می شود، جلو رویم.

#### امنیت و قدرت حکومت

مملکت امنیت می خواهد. مملکت حکومت صحیح لازم دارد. ایجاد امنیت بسته به سلطه دولت است. مخصوصاً در مملکتی مانند ایران وسیع و بدون وسائل تردد و حمل و نقل امروزی، دارای ایلات مختلف که در هیچ زمانی خود را کاملاً محکوم به اطاعت حکومت مرکزی نمی دانسته [اند]، [و خود را] در اطاعت هیچ قانونی به جز نیروی استبداد نمی دانسته [اند]. دوران ترقی کشاورزی و رونق بازار ثروت و توسعه فلاح و کشت اراضی بایر، زیاد کردن آب و بالاخره به کار انداختن سرچشمه های مملکت امنیت و قدرت حکومت لازم دارد. اگر چنین امنیت به توسط خود ملت به دست آید و به توسط دولت مستقل و آزادیخواه ثابت گردد چه سعادت بالایی برای ایرانی خواهد بود. ایرانی وطن پرست باید در خط ترقی، در خط آزادیخواهی، در خط ملت دوستی با قدمهای ثابت جلو برود که هم مملکت را در راه ترقی حفظ [کند] و [هم] مداخله ای در کارهای دیگران نموده و نه به دیگران حق مداخله در کارهای خود بدهد.

#### کشمکشهای سیاسی

کشمکشهای سخت سیاسی داخلی به عنوان احزاب مختلفه سیاسی عجالتاً باید موقوف شود. ایرانی باید یک حزب وطنی تشکیل دهد، آزاد و ترقی خواه در خط جلو رفتن خود ثابت بماند. تعصب ملیت شدید عجالتاً صلاح حال ایرانیان نیست. ایران برعکس هندوستان و مصر دارای یک نژاد و یک قوم مردم است. آذربایجانی، خراسانی، کرمانی و شاهسون بغدادی و یا بختیاری همه از یک نژاد و همه ایرانی هستند. اختلافات رفع نشدنی که در هندوستان میان اقوام و مذاهب مختلف موجود است در ایران مرتفع است. خارجی نمی تواند از این مراحل استفاده نماید. موقتاً ممکن است میان ایلات و مرکز حکومت بعضی اختلافات تولید کنند و یا اشخاصی به خصوص را علیه امور حکومت تحریک و از این راه استفاده موقتی بکنند، ولی این گونه استفاده ها برای یک دولتی مانند دولت انگلیس که نفوذ سیاسی را برای ترقی بازرگانی خویش لازم می داند و منافع بازرگانی را با نفوذ سیاسی توأم گردانده است فایده ای ندارد. اگر ایران را بازار مهمی برای بازرگانی خود می داند همان ایران امن و آباد است. تحریکات بر ضد امنیت نتیجه ای نمی دهد. صرفه بازرگانی خارجی در امنیت و آبادی ایران است. در این قسمت همان نظر ایرانی وطن پرست را باید تعقیب کند.

#### مالیه و نظام

امنیت و آبادی یعنی بسط کار و فتح باب بازرگانی، ولی بدیهی است از نظر سیاسی و از نظر ایرانیان وطن پرست اختلاف در عملیات بسیار است. محققاً نظر خارجه متوجه مالیه و نظام ایران می باشد و سیاست خارجی بر این است که این دو رشته مهم امور اساسی مملکت را تحت نظارت مستقیم خود درآورد و بدان وسیله حقیقتاً حکومت مملکت [را] در دست

خود بگیرد. در اینجاست که ایرانیان وطن پرست افکار مخالفی خواهند داشت. بدیهی است احساسات وطنی و علاقه به مملکت و شرافت نفس وطن پرستان در فشار سخت خواهد بود. در چنین مراحل و وطن پرستان می بایستی تمام اطراف کار را در نظر بگیرند و تا آنجایی که ممکن است بدون بروز اغتشاش، شرافت نفس خویش و میهن خود را بنمایند.

#### رشته سیاسی

ولی بدانند که رشته سیاسی مملکت را نباید امروز به کلی پاره نمایند. پاره شدن این رشته امروز با این پیشامد برای ایران فوق العاده خطرناک است. استقلال ایران هر قدر هم در ظاهر باشد حفظش لازم است. این را هم باید بدانیم که آبادانی ایران مدت لازم دارد و بسا در این مدت اتفاقاتی ممکن است در دنیا واقع شود که مفید به حال ترقی و آبادانی ایران باشد. چنان که گفته شد قوه باید از خود مردم ناشی شود. قوه خارجی برای حفظ استقلال ایران هیچ وقت مفید نبوده [است] و نخواهد بود. امروز هم نمو نیرو از یک قومی منوط بدان است که آن قوم مراحل اولیه تمدن را طی و وسائل زندگی امروزی را برای خود تهیه کرده باشند. اگر دولت عثمانی چنین قوه‌ای را برای خود تدارک کرده بود، اگر اقوامی که اتباع آن دولت را تشکیل می دادند مراحل تمدن امروزی را طی کرده بودند و سرنوشت خودشان را دست گرفته بودند کار عثمانی بدین جا نمی کشید. آلمان شکست خورده، عجالتاً افتاده است، ولی محقق بدانید که از میان نرفته [است] و نخواهد رفت. شکل حکومت آن محققاً تغییر خواهد کرد. قسمتی از تمول آن از دست خواهد رفت، ولی از میان رفتن آلمان غیرممکن است. همان طور که از میان رفتن فرانسه پس از جنگ ۱۸۷۰ ممکن نبود.

#### نیروی ملی ایران و سرمایه خارجی

نظر ایرانی وطن پرست باید صرف تهیه وسائل نیروی ملی ایران بشود. اضمحلال میلیونها مردم متحد متمدن متمکن بسیار مشکل بلکه غیرممکن است. ولی زیرپا کردن صدها مردم غیرمتحد و غیرمتمدن و [غیر] متمکن ضعیف کار مشکلی نیست. این را هم باید دانست که داخل نمودن سرمایه‌های خارجی به ایران ضرری برای ایران ندارد بلکه تا حدی نافع است [که] سرمایه خارجی وارد مملکت شود و در مملکت به کار افتد. منابع ثروت فزونی می یابد و از علم و عملیات خارجی در مملکت استفاده می شود. از اینکه فلان رشته کار موقتاً در دست خارجی است به ملاحظه اینکه شاید برخوردی به استقلال ایران بنماید نباید ترسید. مثلاً ایران خطوط آهن لازم دارد. بدون این وسائل هیچ گونه ترقی امروز برای مملکت ممکن نیست. ساختن خطوط آهن محتاج به سرمایه و فنون لازمه می باشد. ایرانی نباید از ساختن راه آهن بیم داشته باشد. باید سرمایه و فنون لازم را در این موضوع مهم برای خود تدارک نماید. راه آهن آمدورفت را آسان و حمل و نقل را سریع و تمدن مملکت را بسیط می گرداند. ملت ایران را با همدیگر نزدیک [می کند] و از حال همدیگر کاملاً برخوردار می گرداند و به عبارت دیگر ما را به تمدن امروزی آشنا می سازد. هر قدر آمیزش و ارتباط نقاط مختلف مملکت زیادتر باشد نیروی ملی افزایش می یابد و ملت ما از خواب غفلت بیدار می شود.

#### معادن ایران

ایران دارای معادن زیاد است. این معادن را باید به کار انداخت و به کار انداختن چنین سرچشمه‌های ثروت، سرمایه و فنون امروزی را لازم دارد. باید کوشش کرد و هر چه زودتر این سرمایه و علم امروزی را به دست آورد. چه خوب بود که ما می توانستیم با وحدت کامل و با کوشش منابع

زندگی امروزی خودمان را به کار انداخته و هر چه زودتر در راه ترقی به جلو برویم. باید سعی کنیم که هر چه زودتر جوانان خودمان را به علوم و صنایع امروزی آشنا گردانیم و از این نترسیم که برای به کار انداختن منابع ثروت خودمان موقتاً از متخصصین خارجی استفاده نماییم. فرستادن عده‌ای شاگرد به خارج و تأسیس مدارس در داخل مملکت بسیار مفید است و [به طور] محقق نتایج مطلوبه در آتیه خواهد داشت. ولی برای سرعت کار [به طور] محقق وجود متخصصین خارجی لازم خواهد بود. علم عمل لازم دارد و عمل هم برای عموم میسر نمی‌شود مگر داخل زندگی روزانه آنها بشود.

#### مداخله خارجی

باید مواظب باشیم که خارجه مداخله‌ای در روش حکومت ما ننماید و نتواند مالیه و نظام ما را در تصرف خود گیرد. فرضاً اگر متخصصی از یک مملکت بی‌طرفی برای تشکیل ادارات صحیح مالیه ایران به کار گماشته شود هیچ ضرری برای ایران نخواهد داشت بلکه مفید خواهد بود. ولی تشکیل قشونی در ایران تحت نظر افسران یک دولت ذینفع [به طور] محقق دارای ضرر زیاد خواهد بود و منافی استقلال ایران خواهد بود. افسران دول بی‌طرف را می‌توانیم در چنین کاری بگماریم تا یک عده ایرانی به علم نظام امروزی مأنوس شوند. ولی باید از مداخله دول ذینفع در امور داخلی خودمان به خصوص در رشته‌های مهم مانند مالیه و نظام اجتناب نماییم و بدانیم که ثروت و نیروی مملکت را باید برای خود و در دست خودمان داشته باشیم. باید بدانیم که این‌گونه امور مانند مالیه و نظام جزء اساس ناموس حقیقی ملت ایران است و طبق تمدن امروزی می‌بایستی اداره [شود] و مجهز برای پیشرفت ملت ایران در حال ترقی باشد.

#### شرق و غرب آلمان

سال ۱۹۱۸ [که] به پایان رسید بدترین سال برای آلمان و متحدین و سعادت‌مندترین سال برای انگلیس و متفقین می‌باشد. این سال برای آلمان به کلی مخالف با سال گذشته ۱۹۱۷ می‌باشد [که] در سال قبل افق روشنی برای ملت آلمان نوید می‌داد. انقلاب روسیه در سال گذشته ملت آلمان را بی‌اندازه شاد گردانید. آلمانها خوشحال بودند که انقلاب روسیه موقعیت جغرافیایی آنها را به کلی تغییر خواهد داد. آلمان چنان که می‌دانیم در یک موقعیت جغرافیایی سختی گرفتار است. آلمان در حقیقت از طرف مغرب و طرف مشرق هر دو در تنگنای سختی واقع بوده. در طرف غرب در مقابل دولی مانند انگلیس و فرانسه و دیگران [است] که همه در شاهراه ترقی و بسط تمکن افتاده، به سرعت جلو می‌روند و در طرف مشرق گرفتار دولت روسیه تزاری - که پیوسته در راه حرص و طمع و تجاوزات از هر طرف و افزایش خاک و نیرو زندگی را بر همسایه خود تنگ گردانیده - واقع است. بی‌زماری صدراعظم نامی آلمان همیشه این نظر را داشت و به زبان هم می‌آورد که آلمان بایستی بکوشد تا نگذارد شرق و غرب آن با هم بر ضد آلمان متحد شوند. اگر شرق و غرب آلمان بر ضد آن متحد شدند کار آلمان زار و ساخته است و بی‌زماری آن صدراعظم سیاستمدار که روی همین زمینه فکر می‌کرد و جلو می‌رفت در تمام مدت صدارت خود نگذاشت دول غرب و شرق آلمان با همدیگر بر ضد آلمان متحد شوند، تنها فقدان سیاست صحیح و نمایش صوری ویلهلم دوم امپراتور آلمان بود که این سیاست را بر طرف نمود و وحدت شرق و غرب آلمان را بر علیه آن دولت میسر گردانید و بالاخره نتیجه این سیاست برای آلمان به کجا پایان یافته است. برای همین موضوع بود که سال گذشته ۱۹۱۷ دریچه بشاشت حقیقی بر روی آلمانها باز شد و دولت تزاری روسیه برداشته شد و عجالتاً در حال تشتت و انقلاب زیست

می‌کند و آلمانها تا حدی امیدوار بودند با این انقلاب و از میان رفتن دولت تزاری روسیه فتح و پیروزی که از این جنگ انتظار داشتند نصیب آنها خواهد شد.

از طرف مغرب چندان بیمی نشان نمی‌دادند ولی پایداری انگلیس و کمکی که از طوایف متحده امریکا به متفقین داده [شد] بالاخره امیدواری ملت آلمان را برای فتح و پیروزی به یأس مبدل گردانید.

### دامنه نفوذ انگلیس

سال ۱۹۱۸ چنان که گفته شد برای آلمان بسیار سال تاریکی بود ولی روشنی آن نصیب انگلیس و متفقین می‌شود. نفوذ انگلیس تمام شرق و غرب و شمال و جنوب را احاطه خواهد نمود. روس تزاری مبارز عمده انگلیس، سال قبل از میان رفته و آلمان دشمن دیرینه به این حال ضعف دچار شده است. دولت انگلیس دیگر رقیبی در مقابل سیاست خود در عالم نمی‌بیند. عجالتاً سیاست آن در تمام دنیا نمایش می‌دهد. قوای بحری آن در تمام دریاها مستولی [است] و قوای بری آن نیز در قسمتهای عمده‌ای از آسیا و اروپا تا سواحل رود رن نمایش می‌دهند. قسمت عمده‌ای از ممالک قدیم عثمانی را در عربستان و بین‌النهرین و بیت‌المقدس و شامات تحت تصرف سیاست خود گرفته و در حقیقت بازارهای سیاسی و ثروت عمده دنیا امروز به دست انگلیس افتاده است.

### وضع قوای آلمان

آلمان از طرفی شکست خورده دچار انقلاب داخلی می‌باشد. قوای بحری و بری آن منحل و در قطعات مختلفه آن پرچم استقلال افراشته شده و از همه بدتر آتش آنارشیزم و یا بلشویزم روسیه در آلمان در حال اشتعال است و هر روز نیروی زیادتری بر خود می‌گیرد. لهستانیها از طرف

مشرق هجوم آورده [اند] و قسمتی از ایالات شرقی آلمان را در ضبط گرفته‌اند. قسمتی از قشون سابق آلمان در جنوب روسیه گرفتار [ست]. مارشال مکینزن معروف با هشتاد هزار قشون در مجارستان خلع سلاح و توقیف شده‌اند. قشون قدیم آلمان که چهار سال با تمام دنیا می‌جنگید امروز نه اطاعت از حکومت و نه اطاعت از افسران قدیم خود می‌نماید. هر قسمتی از قشون سابق آلمان دسته‌ای برای خود ساخته و انجمنی به ترتیب انجمنهای روسیه تشکیل [داده‌اند] و دیسیپلین فولادین پروس را به کلی زیر پا گذاشته‌اند، چه بسا اموال قیمتی اداره جنگ را از قبیل اسلحه و قورخانه و عرابه و اسب و غیره را سربازان سرقت کرده به قیمتهای نازل می‌فروشنند.

### پلیس برلن

وضع سربازان در خیابانهای برلن تماشایی و دیدنی است. اغلب با بازوبندهای قرمز مشغول حمالی و دستفروشی و فروش امتعه دزدی می‌باشند. افسران سابق آلمان اغلب متواری و یا پنهان [اند] و مشتی اشخاص عادی از انقلابیون جای آنان را گرفته‌اند. پلیس برلن از یک عده کارگران شبیه به مجاهدین آغاز دوره مشروطیت ایران تشکیل شده است و رئیس آنها یکی از مجاهدین انقلابی آنارشیزم از کارگران می‌باشد. این شخص مقداری سلاح به دست آورده و علیه دولت موقتی سوسیالیست پرچم شورش برافراشته مورث قتل عده‌ای اشخاص بیگناه و سرقت مبالغ عمده از اموال مردم بیچاره شده است.

### فرق فتح و شکست آلمان

بعضی از آلمانها از طبقات پایین کارگران خوشحال به نظر می‌آیند که آلمان در این جنگ شکست خورده و نیروی نظامی پروس از دست رفته

است. فتح آلمان را مصیبتی برای آزادی نمی دانند. بدیهی است عده زیادی از آلمانها پایان جنگ را بدین ترتیب نمی خواستند و شاید فتح و ظفر کامل آلمان را هم طالب نبودند. تنها دسته‌ای که اطراف امپراتور بودند و افسران درجه دار بزرگ فتح قطعی آلمان را خواستگار بودند. بدیهی است فتح قطعی آلمان اطرافیان امپراتور و نظامیان را قوی می گردانید، آزادی را از میان می برد، طبقات اشراف را مرفه‌الحوال تر ولی [طبقات] متوسط و کارگران را ضعیف تر و ذلیل تر می گردانید. وانگهی طرفداران جنگ همیشه قوی بوده [اند] و راحتی از برای مملکت و مردم با یک سیاست تندی فراهم نمی شود. موقعیت جغرافیایی آلمان تقاضای چنین سیاستی را از نظر طرفداران جنگ می نماید.

#### آلمان اسیر امیال امپراتور

در اینکه قسمتی از نظریات این اشخاص صحیح بوده هیچ جای تردید نیست، غلبه آلمان دسته امپراتوری و نظامی پروس را تقویت داده، ترقی آلمان در خط آزادی و مخصوصاً نمو حکومت دموکراسی و تساوی حقوق برای مردم ممکن نبود. سیاست خارجی مملکت بیش از پیش در دست امپراتور و حواشی او می افتاد و با مملکت آن طور رفتار می کردند که میل خودشان بود. چنان که عده بسیاری از خود آلمانها مسئولیت این جنگ را بر عهده امپراتور و حواشی او می دانند. اگر دسته نظامی پروس نمی خواست جنگ را به عقب می انداخت و یا آنکه به کلی از جنگ احتراز می نمود. ملت آلمان خواهان جنگ بود ولی نه با تمام دنیا. سیاست آلمان یعنی سیاست امپراتور و دربار او آلمان را رفته رفته ضعیف و انگلیس را تقویت نمود و مقام آلمان را در اروپا مشکل تر گردانید. با سیاست امپراتوری و حواشی او زندگی در آلمان بدان شکل خیلی مشکل بلکه غیرممکن بود. در خشکی با فرانسه (در طرف مغرب) و با روسیه در

طرف مشرق و بلکه با تمام دول مجاور رقابت [داشت]، بلکه خصومت و تندی و درشتی می ورزید. با انگلیس در دریا و با کلیه ممالک که دارای بازرگانی بسیط می باشند رقابت سخت در میان آورده و زندگی را به تدریج از برای خود مشکل بلکه غیرممکن ساخته بود.

#### قوی بودن، به چه حد

قوی بودن بسیار خوب است ولی در یک حدودی که بیم در دیگران ایجاد نماید. حربه داشتن شرط احتیاط است ولی سلاح را مستقیم در مقابل سینه حریف نگاه داشتن ایجاد تزلزل در طرف و بلکه در خود شخص می نماید و بلکه جلب خطر می کند. در اینکه متفقین به کلی بی تقصیر نیستند جای تردید نیست. سیاست روسیه تزاری به خوبی معلوم بود. سیاست فرانسویها نسبت به آلمانها پس از جنگ ۱۸۷۰ و از دست رفتن آلتاس ولرن به نفع آلمانها مشهود بود. انگلیس هم از مبارزه آلمان در رشته بازرگانی و ایجاد تمکن و بسط سیاست بین‌المللی بدیهی است خوشحال نبود و جلوگیری آن را از طرف خود لازم می دانست. سیاست امریکا هم که معلوم است، پیوسته در اصول مسائل اقتصادی و حیاتی بین‌المللی با انگلیس موافقت داشته [است] و خواهد داشت.

#### اتریش

ضعف داخلی دولت اتریش هم معلوم بود. اتریش با ساختمان دیرینه خود نمی توانست در جنگ قوی باشد. مملکتی که از چندین ملل و نژاد متنوع مرکب باشد و این نژادها هم میان خودشان رقابت و مخالفت داشته باشند نمی تواند برای جنگ قوی باشد. فرانسوی برای فرانسه با میهن دوستی فراوان جنگ می کند. ولی اهالی چک یا اسلاو که جزء اتباع اتریش سابق به شمار می رفتند برای ادامه نیرو و نفوذ اتریش یا مجارستان

جنگ نخواهند کرد. در این صورت دخول دولت اتریش در این جنگ جزء متحدین در ۱۹۱۴ علیه روس و فرانسه معلوم بود چه نتیجه‌ای به بار خواهد آورد.

### تدارکات آلمان

آلمان در ۱۹۱۴ به قسمی نیرومند بود که شاید می‌توانست با تمام دنیا در جنگ افتاده فتح را نصیب خود گرداند. تدارکاتی که آلمان دیده بود با آن اختراعات محیرالعقول آلمان را بر فتح و فیروزی قادر می‌نمود، اگر جنگ ادامه پیدا نمی‌کرد، اگر میدان جنگ این طور وسیع نمی‌بود. ولی پر واضح بود که مدت طولانی جنگ بدترین دشمن آلمان است. انگلیسیها تمام دریاها را بر آلمان بسته [بودند] و [چون] آلمان را از طرف دریا در محاصره می‌انداخت قوا در اطراف پراکنده می‌شود. تجارت آلمان به وقفه می‌افتد. زندگی بر مردم آلمان تنگ و سخت می‌شود و به واسطه فقدان مواد اولیه قوه آلمان با امتداد جنگ رو به ضعف می‌گذارد و همین امتداد جنگ به طرف فرصت می‌دهد روز به روز قوای خود را فروتر گردانیده، بالاخره آلمان را به حالت شکست می‌اندازد. همین طور هم صورت گرفت.

### سیاست آلمان

اگر سیاست دولت آلمان بر اصول آزادی یعنی بر روی افکار عمومی ملت آلمان تشکیل شده بود و امور مملکت در دست قدرت یک عده اشخاص و افسران نظامی نمی‌بود، اگر وزارت خارجه آلمان از خود رأی می‌داشت و سیاست خارجی مملکت را در دست خود گرفته بود چنین قدمهایی برداشته نمی‌شد. [اگر] سیاست دولت آلمان بیشتر پیش‌بینی می‌داشت، بهتر به حفظ آتیه ملت آلمان نظر می‌انداخت. سیاست نظامی صرف نمی‌تواند خیلی پیش‌بین باشد.

### وزارت خارجه آلمان

عقل امپراتور آلمان در حقیقت در دست یک عده حواشی نظامی او بود که پیوسته نفوذ تام در سیاست خارجی مملکت اعمال می‌نمودند. در همان وقتی که نماینده سیاسی آلمان در لندن مشغول مذاکرات جدی با انگلیسیها بود و احتمال کلی می‌رفت که اختلافات میان آلمانها و انگلیسیها تصفیه شده، روابط بهتری میان آن دو مملکت به میان آید نظامیان پروس با نفوذی که داشتند نقشه حملات قوای آلمان را در غرب و شرق و جلو رفتن به مرزهای دشمن را می‌کشیدند و هیچ اعتنایی به اقدامات وزارت خارجه آلمان نداشتند. در هر صورت آلمان امپراتوری، آلمان نیرومند نظامی، آلمان متحد در ۱۹۱۸ همین سال به شکست افتاد. دوره سلطنت خانواده هوهنزلورن - خانواده‌ای که در ۱۴۱۵ فردریک ششم که از همین خانواده بود و سلطنت آن را در مملکت پروس آغاز [کرد] و از همین خانواده ویلهلم اول در ۱۸۷۱ پس از شکست فرانسه امپراتوری آلمان را به وجود آورد - منقرض گردید و شالوده نظام پروس - یادگار فردریک بزرگ - از هم پاشید و حتی پایه وحدت ممالک و قطعات مختلفه آلمان متزلزل گردید. طبقه اشراف و حکمفرمایان مملکت ضعیف و طبقه کارگر قوی [شد] رؤسای سوسیالیست بر مسند قدرت حکومت امپراتوری نشسته، دنیای جدید و بساط نوینی برای آلمان به میان آورده‌اند.

### آینده آلمان

آلمان جدید دیگر در دست نظامیان و حواشی امپراتوری نیست. آلمان جدید در حال انقلاب است و بایستی در این راه به تکامل پیوسته، آزادی و کسب نیرو از راه بازرگانی و کار و صناعت به دست آورد. تا چه حد دشمنان فاتح خارجی از ترقی آلمان جدید جلوگیری حاصل کنند معلوم

نیست. آلمان دشمن قوی عجالتاً آلمان به کلی مغلوب و متزلزل می‌باشد. در اینکه نژاد آلمانی ترقی خواهد کرد حرفی نیست. پشتکار آلمانی در کار و به خصوص در راه ترقی، ملت آلمان را جلو خواهد آورد. به چه ترتیب معلوم نیست. ولی هیچ جای شک نیست که آلمانها باید تلاش زیاد بکنند تا تمکن و نیروی قبل از جنگ ۱۸-۱۹۱۴ را مجدداً به دست آورند. آلودگیهای این جنگ طولانی به خصوص برای آلمانها بسیار زیاد است. به علاوه انقلابات داخلی و پیشرفت عقیده سوسیالیسم و بلشویزم روسیه بیشتر جلو آبادانی را می‌گیرد. نزاع سرمایه‌دار و کارگر خود مانع بزرگی برای جلورفتن آن به طرف کسب نیرو و نفوذ نظامی می‌باشد.

#### حزب اسپارتاکیست

۶ ژانویه ۱۹۱۹ - انقلاب حزب معروف به اسپارتاکیست آلمان (شبیبه به بلشویک روسیه) در برلن صورت گرفت. پس از تلفات بسیار و مدت یک هفته هرج و مرج نیروی دولت غالب گشته، شورشیان را عجالتاً متفرق نمودند. ولی هواخواهان آنها بالنسبه قوی [اند] و در شهرهای دیگر آتش این انقلاب را مشتعل نگه داشته‌اند.

#### انتخابات آلمان

روز یکشنبه ۱۹ ژانویه - انتخابات مجلس ملی آلمان صورت گرفت و در نتیجه موفقیت نصیب سوسیالیستها و احزاب دست چپ گردید. دست راستیها که حامی حکومت سابق می‌باشند سخت شکست خورده‌اند. کلیه اتباع آلمان زن و مرد از سن بیست به بالا در این انتخابات شرکت داشته‌اند. یک هفته بعد روز ۲۶ ژانویه انتخابات مجلس پروس صورت گرفت و نتیجه کم و بیش مانند مجلس ملی آلمان بود. موفقیت کامل نصیب طبقات پایین و کارگران بوده است. محل انعقاد مجلس ملی آلمان شهر وایمار معین شده است.

#### وایمار

شهر وایمار به واسطه شاعر و نویسنده معروف آلمانی گوته معروف شده. این نویسنده و شاعر معروف مدت مدیدی از زندگانی خود را در شهر وایمار بسر برده و در این شهر موزه‌ای از او به یادگار مانده و قبر او هم در آنجاست. انتخاب شهر وایمار برای انعقاد این مجلس برای معروفیت آن نیست بلکه برای نظری است که دست‌چپها در کلیه ممالک مختلفه آلمان مخصوصاً در قسمت باویر نسبت به پروس نظامی و پروس امپراتوری و شهر برلن مرکز این امپراتوری دارند. برای اسکات این افکار مخالف تصمیم گرفته‌اند که عجالتاً مجلس ملی را در محلی خارج از مرکز امپراتوری قرار دهند و پس از مذاکرات طولانی شهر وایمار را انتخاب کردند.

#### گرانی و سختی

در زندگانی آلمان به خصوص در شهر برلن تغییری پس از امضای متارکه جنگ تا امروز اوایل ژانویه ۱۹۱۹ دیده نمی‌شود. بلکه زندگی از بابت خوراک و پوشاک سخت‌تر و گراتر شده است. قدغن [از] فروش بعضی اجناس بدون جواز برداشته شده، مثلاً خرید پوشاک تا حدی آزاد است ولی به قسمی گران است که نیروی خریدن لباس تازه برای مردم تقریباً مفقود است. یک دست لباس مردانه به هزارویانصد مارک بالغ شده. ماهوت متری سیصد مارک به بالا، نشاسته برای لباس به کیلویی هشتاد مارک بالغ شده. از لحاظ خوراک به مردم فوق‌العاده سخت می‌گذرد. اولاً مواد خوراکی بسیار کم و ثانیاً فوق‌العاده گران [است]. کره خوراکی اگر پیدا شود کیلویی شصت مارک. تخم‌مرغ اگر پیدا شود دانه‌ای چند مارک. چایی اگر پیدا شود نیم کیلو از صد مارک تجاوز می‌کند. قهوه نیم کیلو در حدود پنجاه مارک. نان و گوشت را باید با جواز مخصوص شهرداری

خرید. در هر صورت سخت و گران است، کرایه منزل به همین ترتیب. در پایان جنگ تقریباً دو برابر سال قبل شده است.

### ترقی دستمزدها

کارگران پیوسته در حال اعتصاب و زیاد کردن مزد کار می‌باشند. کارگران تراموای برلن، کارگران راه آهن، کارگران کارخانه‌های الکتریک به نوبت اعتصاب کرده مزد خودشان را دو برابر نموده‌اند. معلوم است سرمایه‌دار هیچ وقت به ضرر کار نمی‌کند، او هم بر نرخها افزوده. نرخ هر چیزی را دو برابر بلکه چهار برابر کرده است. یک کارگر امروز در برلن از سی الی چهل مارک کمتر کار نمی‌کند و این مبلغ در زمان صلح برای خرج یک هفته خانواده او کافی بود. دوا فروشان و دکترها و امثال آنها تماماً قیمت‌ها و نرخها را دو برابر بلکه بیشتر نموده‌اند و زندگی امروزی برلن را به جایی رسانده‌اند که مافوق آن به تصور نگنجد و خود همین وضع بیشتر مایه آسفتگی و باعث انقلاب می‌شود.

### اسکناس آلمانی

اسکناسهای آلمانی امروز در حقیقت قیمتی ندارد و پول طلا هم در دست مردم نیست. مردم اسکناسهای نیم مارکی تا هزار مارکی آلمان را با تقلیل قیمت زیاد صرف می‌کنند. از قرار مذکور بانکهای خارجه در هلند و جاهای دیگر اسکناسهای آلمان را به قیمت خیلی نازل جمع کرده‌اند که بعدها قیمت آن را از دولت آلمان به طلا مطالبه نمایند و از این راه شکست مادی ملت آلمان را فراهم آورند. حکومت فعلی قدغن اکید نموده است که هیچ نوع پولی به خصوص پول کاغذی و اسکناس از سرحدات خارج نشود و بانکها نباید اسکناسهای قدیم را از مملکت بیرون بدهند. از قرار معلوم دولت در صدد است اسکناسهای تازه در

قسمتهای مختلف آلمان چاپ کرده رواج دهد. مدتی بلیطهای آسکام استقراض دولتی به جای اسکناس رواج داشت ولی امروز رواج این اوراق هم قدغن شده، به خصوص از خارج کردن آنها سخت جلوگیری می‌شود.

### قطع ارتباط با ایران

ارتباط ایرانیان بیچاره با ایران پس از شکست آلمان و مبارکه جنگ بسیار سخت بلکه تقریباً قطع شده است. ارتباط پستی به هیچ وجه وجود ندارد. ارتباط تلگرافی هم منقطع است. فقط سفارت ایران از راه هندوستان با تهران روابط تلگرافی برقرار کرده است. از قرار معلوم دولت ایران نماینده‌ای به کنفرانس صلح خواهد فرستاد. اول مذاکره بود مشاورالممالک را به ریاست یک هیئتی به کنفرانس صلح بفرستند، بعد گفته شد آقایان ناصرالملک و وثوق الدوله بدین مأموریت معین شده‌اند ولی صحت هیچ کدام درست معلوم نیست. از قرار معلوم آقای طباطبائی و جمعی از مهاجرین که در استانبول توقف داشتند به تهران وارد شده‌اند. از ایرانیان دیگر استانبول خبری نیست. به نقد ارتباط میان آلمان و عثمانی به کلی قطع شده است.

### کنفرانس صلح

انعقاد کنفرانس متفقین در پاریس با حضور ویلسن رئیس جمهور امریکا در همین ماه ژانویه صورت می‌گیرد. ویلسن پروگرام خود را راجع به صلح بدین کنفرانس تقدیم خواهد نمود. از قرار مذکور میسیون ایرانی بدین کنفرانس در اواخر ژانویه ۱۹۱۹ وارد پاریس خواهد شد. نتیجه انتخابات مجلس ملی آلمان بدین قرار منتشر شده است. سوسیالیستهای اکثریت ۱۶۳ عضو، سوسیالیستهای اقلیت ۲۲ عضو،

دموکراتها ۷۵ عضو، دستجات مرکز ۹۲ عضو، دست راستیها بالتمام ۶۸ عضو - جمع کل ۴۲۰. آنجاهایی که در پایان جنگ به دست دشمن افتاده است شرکت در انتخابات نداشته‌اند.

### کمی زغال سنگ

هوای آلمان در این فصل خوشبختانه خیلی ملایم است و اغلب روزها مانند هوای اواسط بهار می‌باشد. چند روز کمی سرد بود ولی دوباره به اعتدال افتاد و این اعتدال برای مردم نعمتی است، زیرا سوخت به خصوص زغال سنگ بسیار کم و گران و در بعضی جاها نایاب است. مدتی است که کارگران معادن زغال سنگ در حال اعتصاب هستند و اگر هوا سخت و سرد می‌بود به مردم فوق‌العاده بد می‌گذشت.

### افتتاح مجلس آلمان

روز ششم فوریه ۱۹۱۹ - سه ساعت بعد از ظهر مجلس ملی آلمان مرکب از ۴۲۰ عضو با حضور عده زیادی از رؤسای ادارات و دیگران که برای استماع نخستین بیانات در این مجلس حاضر شده بودند در شهر وایمار افتتاح گردید. رئیس هیئت مدیره ابرت، از رؤسای حزب سوسیالیست و دموکرات آلمان نطق افتتاحیه مجلس را آغاز نمود. در این نطق ابرت اظهار داشت که انقلاب باعث شکست آلمان نشده بلکه انقلاب پس از پایان مقدمات متارکه جنگ آغاز گردیده، درخواست متارکه جنگ از طرف آلمان بر اثر شکست نظامی و اقتصادی آلمان بوده. حریفهای آلمان باید بدانند که بیش از این نبایستی از آلمان درخواستهای سخت کمر شکن نمایند، هرگاه چنین تقاضاهایی از دولت آلمان بنمایند ما باید خودمان را از جلو کشیده مسئولیت کار را بدون آلمان بنمایند ما باید خودمان حواله نماییم. ابرت با امیدواری به آتیه اظهار نمود در آتیه نزدیک اتریش به

آلمان خواهد پیوست و نژاد ژرمن با وحدت کامل به زیست خود ادامه خواهد داد. دیری نخواهد گذشت که نمایندگان ملی اتریش به مجلس ملی آلمان خواهند آمد و ما با وحدت کامل به زندگی خود ادامه خواهیم داد.

نطق افتتاحیه ابرت اثر نیکویی در آلمان و ممالک بیطرف ظاهر نمود ولی برعکس میان متفقین به خصوص در فرانسه تأثیر معکوس بخشود. مطبوعات فرانسه با شدت به آلمان حمله کرده [اند] و حکومت امروزی آلمان را گرگی به لباس میش می‌خوانند و به متفقین خود توصیه به خشونت و سختی علیه آلمان می‌کنند. در جلسه دوم مجلس ملی که روز بعد منعقد گردید رئیس فراکسیون سوسیال دموکراتها به نام دکتر داوید به ریاست مجلس ملی انتخاب گردید.

روز دهم فوریه ۱۹۱۹ خبر رسید که نمایندگان ارزاق آلمان با متفقین قراردادی راجع به ارزاق آلمان گذاشته [اند] بدین ترتیب که سی و شش هزار تن گوشت از حیوانات مختلف و دویست و پنجاه هزار قوطی شیر از راه هلند هر چه زودتر به آلمان وارد شده آلمان با پول طلا قیمت آنها را بپردازد. روز هشتم فوریه لوید جرج از پاریس بدون اطلاع قبلی حرکت کرده به لندن مراجعت نمود. علت این حرکت را اشکال کار کارگران انگلیس که در صدد اعتصاب می‌باشند می‌دانند.

### عباسقلی خان نوری اسفندیاری

امروز آقای عباسقلی خان نوری پسر آقای محتشم السلطنه از برلن به طرف هلند حرکت نمود که از آنجا و از طریق پاریس به تهران برود. از اینجا به هلند به سمت مأمور ابلاغ سفارت برلن برای حمل نامه‌ها به سفارت هلند می‌رود. چند نامه هم اینجانب به توسط ایشان فرستاد که با خود به تهران ببرند.

**مجلس ملی حاکم مطلق**

در دو روز اخیر مذاکرات میان فراکسیونهای مجلس ملی آلمان در خصوص تشکیل کابینه در جریان است. از قرار معلوم احزاب سوسیال دموکرات و دموکرات و مرکز در تشکیل کابینه و انتخاب رئیس جمهور شرکت عمده خواهند داشت. در انتخاب هیئت رئیسه مجلس ملی قبلاً ائتلاف به عمل آمده، رئیس مجلس از حزب سوسیالیست دموکرات و سه نایب رئیس از سه دسته دموکرات، مرکز، و حزب ملی انتخاب شده‌اند. منشی‌ها از دسته‌های مختلف دیگر انتخاب گردیده‌اند. پس از افتتاح مجلس ملی هیجان عمومی و ناراحتی در آلمان قدری تخفیف پیدا کرده و وضع تمایل کارگران به اعتصاب در مراکز مختلفه صورت ملایمتری به خود گرفته است. حتی کارگران معادن زغال سنگ سیلزی مجدداً شروع به کار کرده و استخراج زغال سنگ آلمان رو به فزونی گذاشته است. این علامت خوشی است که به تدریج بحران سخت آلمان را برطرف نماید. مجلس ملی که امروز حاکم مطلق این کشور است به انتخاب مستقیم کلیه ملت به وجود آمده [است] و مجلس در تشکیل حکومت امروزی آلمان و تدوین قوانین اساسی اختیار کامل در دست دارد.

**پیشگیری هرج و مرج**

وضع آناارشی و فقدان حکومت قانونی عجزاً در آلمان برطرف شده و دوره انقلاب و هرج و مرج به حکومت ثابت و فرمانروایی قانون مبدل می‌شود. دیگر در هر شهری انجمنهای مختلف از کارگران و دیگران به اسامی مختلف دست از خودسری کشیده‌اند. دوره فترت یعنی مدت میان نهم نوامبر ۱۹۱۸ و ششم فوریه ۱۹۱۹ که تاریکترین و پرخطرترین روزهایی برای آلمان بود و هر لحظه بیم این می‌رفت که شیرازه کار مملکت به کلی از هم پاشیده [شود] و به دست انقلابیون و آناارشیستهای

دست چپی بیفتد و کار آلمان را حتی از کار روسیه بدتر گرداند، سپری گردید. آناارشیستها کوشش بسیار کردند که از انتخاب و انعقاد مجلس ملی جلوگیری کنند، کاری از پیش نبرده‌اند. رؤسای سوسیال دموکراتهای آلمان با اعتدال و تدبیر [و] پیش‌بینی رفتار کرده، احزاب دست‌راست هم با احتیاط کامل به آنها پیوسته نگذاشتند رشته کار از هم گسیخته شود. کمی جنبش از طبقات متوسط و اشراف کار آناارشیستهای دست چپی را تقویت می‌نمود. در انتخابات مجلس ملی هم همین پیش‌بینیها رعایت گردید، سوسیالیستهای معتدل که نزدیک به مرکز واقعند و طالب حکومت آزاد و با اقتدار هستند اکثریت پیدا کرده‌اند. بعد از آن احزاب مرکز و چپ مرکز که دموکراتها باشند و بعد فرق دست‌راست به انتخابات کمک بسیار نموده از هرج و مرج جلوگیری کرده‌اند. از فرقه دست چپ چپ که در اقلیت بالنسبه کمی واقعند کاری ساخته نگردید. معلوم می‌شود اکثریت ملت آلمان از منافع واقعی خود برخوردار و برای حفظ آنها ساعی می‌باشند.

**دموکراسی در آلمان**

امروز دیگر دوره نظامیان و امپراتور و دربار او سپری شده و آلمان با حریفانی مانند متفقین با اشکالات بزرگ [رو به روست] و با عده دولی که خود را حامی آزادی می‌دانند باید انعقاد صلح نماید. آلمان مجبور است یک دموکراسی آزادی در مرکز اروپا ایجاد نماید و آلمان جمهوری آزاد می‌تواند با اتریش متحد گشته یک دولت معظم آلمانی ایجاد کند و ضمناً شرایط صلح را تا آنجا که ممکن است تخفیف دهند. متفقین به عثمانی هر قدر بتوانند سخت‌گیری خواهند کرد و به نام آزادی، دولت عثمانی را از شکلی که در سابق داشته دگرگون خواهد کرد. ولی آلمان آزاد را نمی‌توانند از میان بردارند.

## قانون اساسی در آلمان

روز سه‌شنبه یازدهم فوریه ۱۹۱۹ قانون اساسی موقتی آلمان در جلسه مجلس ملی با اکثریت قریب به اتفاق به تصویب رسید. در همان جلسه قرائت دوم و سوم این قانون به پایان رسید و تصویب و شالوده جمهوری دموکراتی آلمان ریخته شد و شکل آزادی کامل به خود گرفت. در حقیقت آلمان از نهم نوامبر ۱۹۱۸ تا امروز حکومت قانونی نداشت و مملکت به طریق انقلاب به توسط رؤسای کارگران و سوسیالیستهای چپ اداره می‌شد] و در اغلب نقاط مملکت هرج و مرج حکمفرما بود. ولی امروز دگرگون گردیده. آلمان پس از سپری شدن دوره امپراتوری و انقراض سلطنت خانواده هوهنزلورن دولت دموکراسی آزاد قانونی دارد که حکمش در داخل مملکت و در خارج به‌عنوان نمایندگی آراء قاطبه ملت نافذ است. در حقیقت حکومت امروزی آلمان از طرف ملت حرف می‌زند و این قانون اساسی موقتی را بدین سرعت گذراندند که یک قوه حاکمه قانونی به مملکت بدهند تا بعد در موقع خود قوانین اساسی ثابت و دائمی تدوین نمایند. وانگهی روز ۱۹ فوریه [که] مدت متارکه منقضی می‌شود نمایندگان آلمان می‌بایستی از طرف یک حکومت ثابت قانونی با حریفان طرف بشوند و در انعقاد صلح به مذاکره پردازند.

## رئیس جمهور آلمان

به موجب همین قانون اساسی موقتی، انتخاب رئیس جمهور آلمان که در جلسه ۱۱ فوریه به عمل آمده، ابرت رئیس هیئت مدیره به ریاست جمهوری موقتی آلمان انتخاب گردید. انتخاب او هم با یک اکثریت قریب به اتفاق صورت گرفت. احزاب دست‌راست به مناسبت تاریکی موقع و ترس از هرج و مرج با سوسیالیستها متفق شده به تأسیس حکومت جمهوری و انتخاب ابرت سوسیالیست رأی داده‌اند. به قول یکی از

رؤسای احزاب دست‌راست امروز باید نمایندگان مجلس ملی، مملکت را بر حزب مقدم بدارند. مصالح امروزی مملکت چنین اقتضا می‌کند که احزاب سیاسی دست به دست داده با هم همکاری نمایند و کشتی طوفان دیده مملکت را به ساحل نجات برسانند.

ابرت که شغل او سراجی و شغل پدرش خیاطی بوده امروز جای امپراتور آلمان را گرفته بر کرسی ریاست جمهوری آلمان نشسته است. چه دنیایی و چه تحولاتی که به وجود می‌آید. به خاطر دارم در اوایل این جنگ جهانی با مرحوم مهندس الممالک وزیر علوم آن وقت در صحبت بودم. می‌گفت اگر آلمان در این جنگ فاتح شود ویلهلم دوم ویلهلم بزرگ نامیده خواهد شد و اگر فاتح نشود ویلهلم صغیر خواهد بود. حالا در نتیجه جنگ به او می‌توان ویلهلم اصغر نام داد که، با چشم باز نگران است و جای او به سراجان و کارگران [رسیده] است. نام این اشخاص را پیش او نمی‌توانستند ذکر کنند ولی امروز نام او را نمی‌توانند نزد این اشخاص ذکر کنند.

## روز تولد کلوب

روز یازدهم فوریه طرف عصر آقای میرزا محمدعلی خان کلوب را ملاقات کردم. دیروز روز تولد «احتمالی» ایشان بود. می‌گفت صاحبخانه و آشنایان آلمانی ایشان گل و هدیه‌ها برای او آورده و نامه‌های تهنیت برای او نوشته‌اند. از این رسم اروپاییها تعریف می‌نمود. این عادت میان تمام اروپاییها به خصوص میان آلمانها برقرار است. روز تولد را در سال روز عید و تهنیت و مبارکباد می‌دانند و مخصوصاً برای طبقه نسوان گل و هدیه‌ها می‌آورند و مبارکباد می‌گویند و چه بسا شامهای مفصل در این مواقع داده می‌شود. آشنایان عموماً روز تولد آشنای خودشان را می‌دانند و در این روزها کارت و نامه تهنیت رد و بدل می‌کنند. چه خوب می‌شد

چنین رسمی میان ملل شرق نیز متداول می شد، اولاً تاریخ تولد خوب معین می شود و ثانیاً سن حدسی نمی باشد. بلکه [زمان] دقیق تولد و دوره زندگی اشخاص ثبت تاریخ می گردد. امروز اغلب ماها تاریخ تولد خودمان را نمی دانیم. به تخمین متولد [شده] و به تقریب دوره زندگانی را طی [کرده] و به تخمین از این دنیا می رویم. چون دنیا را دار فانی می دانیم اعتنایی به تولد و زندگانی نمی کنیم. ولی این را باید بدانیم که این نوع چیزهای اساسی زندگی و چیزهایی که به تاریخ برخورد می کنند به خصوص دوره زندگانی اشخاص تاریخی باید معین و مسلم و روشن باشد.

#### ریاست جمهوری ابرت

روز چهارشنبه ۱۲ فوریه ۱۹۱۹ انتخاب رئیس جمهور در مجلس ملی از ۳۷۹ نمایندگان حاضر با اکثریت ۲۲۷ رأی صورت گرفته. دسته چپ چپ و راست راست به او رأی ندادند. پس از شمردن آرا دکتر داوید رئیس مجلس ملی از نمایندگان سؤال می کند: آیا شما ریاست جمهوری را قبول دارید؟ ابرت جواب می دهد با کمال امتنان قبول می کنم. سپس رئیس مجلس ملی نطقی ایراد کرده از این انتخاب که حقیقتاً انتخاب کاملاً ملی است اظهار وجد نموده، آن را تبریک می گوید. ابرت نخستین رئیس ملت است که به توسط اکثریت ملت آلمان انتخاب شده [است] و می تواند به نام ملت آلمان حرف بزند و بگوید: من نماینده ملت آلمانم. قابلیت و شخصیت او هم در این مدت انقلاب خوب معین شد. اگر او نمی بود احتمال داشت آلمان مثل روسیه از هم پاشیده شود.

#### نطق ابرت

در جواب ابرت از این حسن ظن نمایندگان ملت اظهار تشکر کرده

می گوید: «با کمال راستی و بیطرفی اداره مملکت را در دست خواهم گرفت و در چنین مقامی بایستی منافع احزاب و اشخاص مخصوص را کنار گذاشته، از نظر تمام ملت و برای حوائج واقعاً ملی کار کرد و مصالح عموم مملکت را در نظر گرفت. هر قدر کفایت شخص در این موقع مهم زیاد باشد بدون کمک رؤسای ملت کاری از پیش نخواهد برد. پس بایستی تمام ماها دست به دست هم داده به همت کافه ملت کار مملکت را بلکه بتوانیم اداره کنیم. اگر چه کار آلمان امروز فوق العاده سخت است به قسمی که تاریخ نظیر آن را نشان نمی دهد ولی ما نبایستی مأیوس باشیم. آتیه درخشانی را در مقابل ملت آلمان باید آرزو کنیم. ملتی که از کار خسته نمی شود و در امور خود ساعی است آن ملت زیر پا نخواهد رفت. ملت آلمان بعد از این بایستی به توسط کار و کوشایی موقع خود را نگه دارد و میان ملل بزرگ شخصیت خود را از دست ندهد».

#### انجمن صلح پاریس

نامه ای از مصطفی خان پسر مرحوم ثقه الملک از هلند دریافت کردم. مشارالیه در اواسط ماه نوامبر گذشته به برلن آمد و از اینجا به هلند رفت، از تهران به برلن دو ماه در راه معطل مانده بود. از وضع تهران و موقعیت دولت مفصل برای نگارنده صحبت می کرد. در این نامه می نویسد که روز بعد به پاریس برای ملاقات هیئتی که از ایران به پاریس برای حضور در انجمن صلح آمده اند می رود. از قرار معلوم این هیئت به ریاست آقای ذکاء الملک مأمور پاریس شده اند.

#### وضع سخت زندگی

اوضاع سیاسی آلمان به قدر محسوسی رو به بهبودی گذاشته است. پس از افتتاح مجلس ملی به تدریج آرامش در مراکز مختلفه مملکت محسوس

می شود. اگر نیازمندیهای مردم از خوراک و پوشاک و غیره بزودی برسد و این کمیابی و گرانی آذوقه رفع گردد بدیهی است کار حکومت آسانتر خواهد بود. با این قحطی و گرانی امروزی هر حکومتی روی کار باشد گرفتار هرج و مرج و فقدان آرامش خواهد بود. مردم خوراک می خواهند و با این گرانی هر قدر هم مزد کار و حقوق کارگر زیاد باشد به جایی نمی رسد. وانگهی کارگران اگر به وسیله اعتصاب مزدشان را زیاد کنند و بتوانند با مزد زیاد به یک ترتیبی زندگانی کنند، کارمندان جزء دولت و مستخدمین و کارگران راه آهن و امثال آنها با این حقوق کم به چه ترتیب زندگی خواهند کرد.

#### کارمندان دولت

در تمام مدت این جنگ بدین طبقه بسیار سخت گذشته است. کارگران تا حدی با زیاد کردن مزد از زندگی سخت قدری خارج شده اند. بازرگانان و متمکنین اغلب صاحب سرمایه های عمده شده اند. کارخانجات تماماً برای دولت کار می کردند و میلیونها از این راه عایدی داشتند. ولی بیچاره مستخدمین جزء و کارمندان دولت در سر خدمت بودند و با همان قلیل حقوق بایستی از عهده مخارجی که به چند برابر ایام صلح رسیده [بود] برآیند. در انقلاب اخیر هم چون کار در دست کارگران بود موقعیت خودشان را محکمتر کردند و آنها امروز زندگی بهتری دارند. احتمال می رود عنقریب کارمندان و مستخدمین دولت از قبیل تلگراف و غیره اعتصاب نموده، تقاضای حقوق بیشتری بنمایند.

#### دستگیری رادک

پنجشنبه ۱۳ فوریه - امروز کابینه شاید من تشکیل و به مجلس ملی معرفی گردید. هیئت وزراء از اعضای احزاب بزرگ تشکیل شده است. دیروز

کارل رادک معروف نماینده حکومت سویت روس و موجد و مؤسس حزب انقلابیون آلمان به نام اسپارتاکیست - که همان بلشویک روسیه باشد - در برلن دستگیر شد. کارل رادک مدتی است در آلمان به عملیات انقلابی اشتغال دارد. از قراری که می گویند مبالغ عمده ای پول روسیه برای ایجاد این انقلاب و تأسیس حکومت بلشویکی با خود به آلمان آورده و توسط او خرج شده است. پس از قیام اوایل ژانویه و قتل لیکنخت و عده ای دیگر، کارل رادک خودش را در برلن مخفی نگه داشته بود. حکومت امروزی آلمان بیست هزار مارک برای پیدا و دستگیر کردن او جایزه تعیین کرده است. مدتی به نام دکتر لیگارت با تذکره قلابی زندگی می کرده و به وسیله دو نفر زن که منشی او بودند تبلیغات انقلابی می نموده است. تا آنکه بالاخره دیروز خود او با دو نفر منشی دستگیر شد و تمام اسناد و نوشتجات او به دست پلیس افتاده است و از این ممر اطلاعات زیاد راجع به اسپارتاکیست به دست دولت رسیده است. امروز مأمورین آلمان برای مذاکره امتداد متارکه جنگ از برلن حرکت کرده اند. ویلسن به طرف امریکا مراجعت کرده است.

#### هیأت ایرانی

امروز آقای علوی به منزل اینجانب آمده، می گفت مصطفی خان پسر مرحوم ثقه الملک اخیراً نامه ای به کاظم زاده نوشته و در این نامه می نویسد که هیئت میسیون ایران مأمور کنفرانس صلح عبارت می باشند از آقایان مشاور الممالک و ذکاء الملک و معین الوزاره و میرزا سید ابوالقاسم خان برادر عمید الحکماء و علینقی خان [نبیل الدوله] شارژدافر سفارت ایران در امریکا.

#### بلشویکی در ایران

آقای علوی نیز اظهار داشت که میرزا فضلعلی آقا که بیچاره سخت

ناخوش است، نامه‌ای از تهران دریافت کرده، در آن نامه شکایت بسیار از گرانی در تهران می‌نمایند و از قراری که کشاورزان پیش‌بینی می‌کنند محصول امسال تمام ایران کم و بد شده است. نیز در همین نامه اطلاع داده‌اند که اخیراً بلشویزم در آذربایجان و گیلانات بسط پیدا کرده [است] و احتمال انقلاب در این قطعات می‌رود. یقین است با اوضاع فعلی ایران پیشرفت هرج و مرج و بلشویزم خیلی سریع خواهد بود.

#### تقاضاهای زنان

هیئت نسوان - زنان عضو مجلس ملی آلمان - پیشنهادی به مجلس داده [اند] و علیه نگه‌داری و توقیف اسرای جنگی آلمان که در کشورهای متفقین بازداشت شده‌اند و علیه امتداد محاصره آلمان اعتراض سخت نموده اظهار می‌دارند که روزی هزارها زن و بچه و پیر در آلمان از میان می‌روند. از تمام زنان دنیا تقاضا می‌کنند هماهنگ شده این ظلم و بی‌عدالتی را از سر آنها رفع کنند.

#### خانواده ابرت

از قراری که شخص مطلعی امروز در ضمن صحبت با نگارنده می‌گفت ابرت رئیس جمهور فعلی آلمان که دو پسر و یک دختر دارد - یک پسرش صحاف و دیگری سرباز است و دخترش به سن هجده - تا دو هفته قبل تمام در یک آپارتمان دو اتاقی زندگی می‌کردند. خانم ابرت زنی به سن چهل و پنج، بدون کلفت تمام خرید و پخت‌وپز و شست‌وشوی خانه را می‌کرده امروز هم که از آن آپارتمان دو اتاقی به عمارت وزارت داخله آمده باز به عادت دیرینه بدون کلفت کار خودش را می‌کند و اصرار دارد که امروز هم با سمت خانم رئیس جمهور پذیرایی خواهد کرد. دو پسر آنها هم قبلاً در جنگ کشته شده‌اند.

#### شیرزن آلمان

بی‌مناسبت نیست که نگارنده اینجا از روحیه ملت آلمان آنچه را که به چشم خود دیده و به گوش خود شنیده‌ام ذکر نمایم. صاحبخانه نگارنده در برلن زنی است به سن حدود شصت سال، دارای سه پسر بوده و به این پسران علاقه بسیار داشته است. دو تا از پسران او در اوایل جنگ یکی در فرونت شرق و دیگری در فرونت غرب کشته شدند. پسر وسطی آلبرت نام زنده مانده بود که نگارنده او را ندیده و در فرونت جنگ پیوسته در کارزار بود. بدیهی است این مادر نسبت به او علاقه بسیار داشت و همیشه از او صحبت می‌کرد. او چند روز پس از آغاز متارکه زن صاحبخانه با صورت بشاشی نزد اینجانب آمد و گفت برای شما خبر خوشی دارم که من را دو سه روز است در وجد و شغف نگه داشته است. گفتم خبر خوش شما چیست بفرمایید خوشحال می‌شوم. گفت در روز آخر جنگ در فرونت فرانسه پسر دومی من آلبرت نیز شربت قتل نوشید و در راه میهن عزیز جان داد. خوشوقتم که هر چه داشتم و عبارت از این سه پسر بود در راه وطن از دست دادم. اگر آلبرت مانده بود نمی‌توانستم این ادعا را بنمایم. باز جای خوشی است که با گلوله توپ به مرگ فوری دچار شده است. کیف بغلی که هر سربازی دارد آن را در جیب طرف چپ روی سینه که مقابل قلب است می‌گذارد. سپس این زن با صورت گشاده دست در کیف خود کرد و آن کیف را که از وزارت جنگ آلمان برای او فرستاده بودند نشان داد. گلوله توپ تمام مرکز کیف را از میان برده و تنها یک حاشیه باریکی از چرم کیف مانده بود. اسکناسهای داخل کیف نیز به همان شکل ترمیم شده بود. حال خوانندگان عزیز ملاحظه می‌فرمایید اگر در مملکت ما یک چنین واقعه‌ای برای فامیلی اتفاق افتاده بود آیا مادر سه پسر با این روحیه اظهار بشاشت می‌نمود؟ آیا می‌توانست جلو احساسات خودش را بگیرد؟ آیا می‌توانست فریاد و فغان بلند نکند. بین تفاوت راه از کجاست تا به کجا.

## نطق وزیر خارجه آلمان

جمعه ۱۴ فوریه ۱۹۱۹ - در جلسه امروز مجلس ملی وزیر امور خارجه فعلی آلمان گراف بزکدورف راتز او در طی نطق مفصلی اظهار داشت امروز هم عمده آلمان صرف استقرار صلح می باشد و با کمال مسرت و میل قلبی اصول پروگرام ویلسن را راجع به صلح عمومی قبول می نماید به شرطی که غرامت جنگ و یا دادن خاک در کار نباشد. آلمان بدون استعمار نمی تواند زندگی کند و دادن مستعمره به دشمن از حیث امکان برای آلمان خارج است. آلمان برای انعقاد یک صلح مرضی الطرفین حاضر [ست] و اصول ویلسن را قبول می کند.

## آزاس ولرن

در موضوع آزاس ولرن باید قبلاً از تمایل اهالی این دو ایالت اطلاع کامل به دست آورد و تمایل آنها را راجع به آتیه خودشان معین نمود تا قبل از انعقاد صلح این موضوع کاملاً روشن شود. آیا مردم آزاس ولرن می خواهند مانند سابق به آلمان ملحق باشند و یا جزء فرانسه بشوند و یا مستقل باشند، آلمان هیچ ایرادی نخواهد داشت. ولی باید تمایل مردم این دو ایالت مهم قبل از انعقاد صلح روشن و معین باشد.

## سایر متصرفات آلمان

در خصوص قسمتی از لهستان که تحت اشغال آلمان است، این قسمت هم تا انعقاد صلح قسمتی از آلمان بشمار می رود. ولی آلمان اعتراضی نخواهد داشت که [به] آن قسمتی از اهالی که لهستانی هستند و آزادی سیاسی خود را خواهند استقلال داده شود. همین طور راجع به اهالی قسمتهای طرف شمال و شمال غرب آلمان هر محلی که تحت اشغال آلمان آمده [است] و اهالی آنجا مایل به استقلال می باشند، ایرادی نسبت

به آزادی آنها نخواهد داشت ولی آلمان اتریش مانند سایر ممالک آلمانی آلمان است و سابقاً هم تمام این قطعات یکی بوده اند، امروز که کلیه ملل از اتباع اتریش قدیم مستقل و به برادران دیرینه خود ملحق شده اند هیچ قوه ای نخواهد توانست از وحدت آلمان و اتریش به ملحق شدن این دو قسمت از ممالک ژرمن جلوگیری کند. در خصوص وحدت ملل آلمان حاضر است به طریق مساوات و برادری تماماً در این اتحاد شرکت داشته باشد. دکتر داوید رئیس سوسیالیست دموکراتهای مجلس ملی داخل کابینه شده است و فرناخ رئیس سابق رایشتاگ که عضو فراکسیون مرکز است به ریاست مجلس ملی انتخاب شده است.

## قصد مراجعت

امروز آقای نواب به ملاقات اینجانب آمد. مدتی با ایشان راجع به اوضاع حاضر و وضع امروزی آلمان و موقعیت اسفانگیز عثمانی و انقلابات روسیه و اوضاع خودمان صحبت در میان بود. با ایشان به طریق شور مراجعت خودم را به ایران در میان گذاشته از ایشان خواهش کردم اگر صلاح می دانند جواز حرکت اینجانب را به هر ترتیبی که خودشان بخواهند تهیه فرمایند. راجع به حرکت و یا ماندن اینجانب ایشان عقیده ای نتوانستند اظهار کنند. ولی قول دادند که اقداماتی برای به دست آوردن جواز به توسط سفارت هلند بنمایند و اگر احیاناً هلندیها حاضر نشدند جواز بدهند آن وقت با پاریس مستقیماً تماس بگیرند.

## ناصرالاسلام

شنبه ۱۵ فوریه - امروز صبح آقای ناصرالاسلام در ملاقات با اینجانب اظهار داشت که دیروز با آقای نواب راجع به رفتن خودش به ایران مذاکره کرده، آقای نواب با ایشان همان طور که به اینجانب قول مساعدت داده

اظهار مساعدت و همراهی نموده و گفته است اگر فی الحقیقه مصمم شدید و عازم حرکت باشید فوراً به توسط سفارت هلند و یا مستقیماً با پاریس اقدامات رسمی می‌نمایم. قرار شده آقای ناصرالاسلام با میرزا محمدعلی خان کلوب هم مذاکره کرده، اگر ایشان هم حاضر برای حرکت باشند آن وقت سه چهار نفر با هم برای به دست آوردن جواز و حرکت به طرف ایران حاضر باشند.

## ۱۶

### تجدید مذاکرات مبارکه جنگ و مقدمات صلح میان آلمان و متفقین

#### امضای مبارکه جنگ

یکشنبه ۱۶ فوریه و دوشنبه ۱۷ - این دو روز خیلی مطبوع و مشعشع برای ملت آلمان نبود زیرا مارشال فُش از طرف متفقین با تهدید و اولتیماتوم تجدید مبارکه جنگ را با شرایط سنگینی به امضای آلمانها رسانید. هیچ مهلتی به آلمانها نداد که لااقل این شرایط تجدید متارکه را آلمانها در مجلس ملی مطرح کنند. تنها کابینه جدید پس از مذاکره با رؤسای فراکسیونها مصمم شد با اعتراض شرایط تجدید متارکه را قبول نماید. آنها بی‌حق نبودند زیرا می‌ترسیدند اگر مدت متارکه تجدید نشود نیروی متفقین جلو آمده قسمت و ستفالی و معادن زغال سنگ آلمان را تحت اشغال خواهند گرفت و در حقیقت ریشه حیات اقتصادی آلمان را قطع خواهند کرد. از طرفی هم قبول این شرایط برای آلمان چیز خوبی نبود. ولی چه می‌توانستند بکنند. این شعر امروز برای آلمانها مصداق پیدا کرده:

در کف شیر تر خونخواره‌ای غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ای

### کمی و بدی خوراک

امروز هر چه دشمن بخواهد می‌کند. شمشیر دست اوست و مایه حیات آلمان هم از مواد اولیه و اغذیه و پوشاک هر چه هست در ید قدرت اوست. آلمانها فهمیده [اند] و امروز بهتر می‌فهمند که مایه حیات یعنی مواد اولیه برای به کار انداختن صنایع و مواد خوراکی و پوشاکی و لوازم زندگی قطعی اهمیتش بیش از هر چیز است. با شکم گرسنه نمی‌شود جنگ کرد. با پای برهنه و بدن لخت نمی‌شود در میدان مبارزه موفقیت حاصل نمود. زن و بچه خوراک لازم دارند. بچه شیر می‌خواهد. زن غذای صحیح و وافی می‌خواهد تا برای او شیر تدارک کند. مردان برای انجام امور به لوازم، خوراک و پوشاک نیازمندند. وقتی اینها مفقود شد وسائل مبارزه داخلی و خارجی ممکن نیست. [به طور] محقق در این جنگ هزارها اطفال شیرخواره در آلمان از بی‌شیری تلف شده‌اند. هزارها مرد و زن مسن از بی‌خوراکی و بد خوراکی دار فنا را وداع گفته‌اند. هزاران جوان از کمی و بدی اغذیه، از فقدان مواد گوشتی و روغنی به امراض مزمن مهلک مبتلا و از زندگی محروم شده‌اند.

### شدت محاصره

متفقین از موقعیت آلمان خوب مطلعند و با نهایت بی‌رحمی نقشه خود را تعقیب می‌نمایند. چشم خودشان را بسته [اند] و به گوش پنبه گذاشته [اند] و به اوضاع اسف‌انگیز ملت آلمان نظری نیفکنده [اند] و به ناله‌های حزن‌انگیز آنها گوش نمی‌دهند. هنوز هم با وجود متارکه جنگ نمی‌گذارند هیچ‌گونه مواد اولیه و آذوقه وارد آلمان شود. می‌ترسند که هر گاه شکم مردم سیر شود شاید بر مقاومت آنها در قبول شرایط سنگین

افزوده شود. امروز پس از مدتی یک سبد مرکبات در برلن دیدم که در جلو یک مغازه بزرگی برای نمایش گذاشته بودند. این مرکبات را از راه سویس به برلن وارد کرده [اند]. محاصره متفقین به قدری سخت بود که حتی از دول بی‌طرف هم که از همسایگان آلمان هستند چنین چیزها به آلمان وارد نمی‌شد. امروز گرانی به جایی رسیده [است] که قوه خرید از طبقات متوسط و پایین سلب گردیده است.

### سیاست و بی‌رحمی

سیاست در اروپا به احساسات بشری توجهی ندارد، اگر چنین موقعیتی در شرق میان ماها واقع می‌شد احساسات مردم خواهی ما را به کمک حریف مغلوب کشانده، لااقل قوت لایموتی برای ادامه حیات او می‌رساندیم. ولی انگلیسیها و فرانسویها از نقطه نظر احساسات به حریف خود نگاه نمی‌کنند. سیاست آنها چنین اقتضا دارد که دشمن شکست خورده را تا ابد از حمل سلاح بر ضد آنها محروم دارد. دشمن آنها دیگر نتواند سر بلند کند. آلمان فردا آلمان دیروزی نشود. فرانسه چهل میلیونی می‌خواهد نژاد ژرمن را به قسمی خرد کند که دیگر نتواند حیات سیاسی تجدید نماید. انگلیس به خیال این است که آلمان را به قسمی کوچک و زبون گرداند که در آتیه بتواند آن را همیشه در پرتو حمایت و سیطره خود نگه دارد. در چه فکرند که امروز پنج سال است آلمانی‌گرسنگی را تحمل می‌کند. آلمانی بدبخت از زور گرسنگی به انقلاب افتاد و پرچم سفید بلند نمود و شخصیت و شرافت خود را تسلیم نمود که جان ملت خود را نجات دهد.

### سال ۱۸۷۱

دنیا عجب تماشاخانه غریبی است و ما درس عبرت نمی‌گیریم. کمی عقب برویم در ۱۸۷۱ و حالت آن روزی ملت فرانسه را به یاد آوریم که

چقدر شباهت به موقعیت امروزی آلمان داشت. آن روز بیزمارک صدراعظم پروس رشته حیاتی فرانسه را قطع کرد و امروز متفقین آلمانهای گرسنه را اسیر دست خود نمودند و فردا معلوم نیست چه نقشه‌ای در کار بیاید. در هر صورت اوضاع آلمانها امروز این قدر تأثرآور است که ممکن نیست خودشان آن را فراموش کنند.

یکی از شرایط تجدید مدت متارکه [که] به امضای آلمانها رسیده این است که آلمان فوراً عملیات نظامی را علیه لهستانها موقوف دارد و قطعات متنازع فیه باید همچنان تا زمان انعقاد صلح بمانند.

#### نطق وزیر مالیه آلمان

روز پانزدهم فوریه وزیر مالیه آلمان نطق مفصلی در مجلس ملی راجع به تقاضای اعتبار تازه ایراد نمود. بعضی اطلاعات مفید در ضمن نطق او مندرج بود. من جمله طبق صورتی که او قرائت کرد مخارج آلمان در این جنگ جهانی بالغ بر ۱۶۱ میلیارد مارک بوده است. در پنج ماه ۱۹۱۴، ۷/۵ میلیارد و در ۱۹۱۵، ۲۳ میلیارد و در ۱۹۱۶، ۲۶/۶ میلیارد و در ۱۹۱۷، ۳۹/۶ و در ۱۹۱۸، ۴۸/۵ میلیارد بوده است. در ابتدای این جنگ آلمانها دو میلیارد اسکناس در جریان داشته [اند] ولی امروز در پایان جنگ قرب ۳۵ میلیارد مارک اسکناس در جریان دارد. این بار سنگین امروز بر شانه ملت آلمان است که باید از راه مالیات پردازد. آلمانها می خواهند مالیاتهای تازه‌ای به نسبت عایدات وضع نمایند که بار سنگینی به ضعف وارد نکند. اما این را نباید ناگفته گذاشت که اخیراً انجمنهای کارگران و سربازان حیف و میل بسیار در اموال دولت کرده و حتی مقدار زیادی از اموال وزارت جنگ را به تاراج برده‌اند.

#### همسفران ایرانی

امروز آقای ناصرالاسلام با تلفن اظهار داشت که با آقای میرزا

محمدعلی خان کلوب مذاکره کرده، ایشان هم موقع را برای حرکت به ایران مناسب می‌داند به خصوص با بودن وزیر امور خارجه ایران در پاریس حرکت بجایی خواهد بود. قرار گذاشتیم چهار نفر از ما یعنی آقایان ناصرالاسلام، میرزا محمدعلی خان کلوب، علوی و اینجانب مقدمات حرکت خودمان را فراهم نماییم و اتفاقاً چون امشب در سفارت به شام مهمان آقای نواب هستیم در آنجا در این زمینه مذاکرات لازم نموده بلکه مقدمات کار را که عمده به دست آوردن جواز حرکت است فراهم نماییم.

#### کتاب لودندورف

لودندورف از سیاسیون معروف آلمان که تا همین اواخر روح استقامت جنگی آلمان را تشکیل می‌داد و تمام نیروهای نظامی و سیاسی آلمان را در دست داشت کتابی راجع به تاریخ جنگ و دفاع از سیاست خودش تألیف [کرده است] و در جریان طبع می‌باشد.

#### نطق نماینده آلمان

سه‌شنبه ۱۸ فوریه - دیروز [رزبرگر نماینده آلمان که برای تجدید متارکه جنگ به فرانسه رفته بود مراجعت کرده توضیحاتی در خصوص قرارداد اخیر در مجلس ملی داده [است] و می‌گوید: «خداوند چنین روزی را که نصیب من در فرانسه نمود یعنی روزی را که مجبور بودم چنین قراردادی را امضا کنم نصیب اعضای این مجلس نگرداند. حریف ما مسلح، شمشیر بر دست در مقابل آلمان امروزی ایستاده می‌گوید حرف یکی است. تمام دول متفقین حتی رئیس جمهور امریکا مستر ویلسن این مواد را امضا کرده [اند] و کم و زیاد هم نمی‌شود. باید تا روز یکشنبه ۱۶ فوریه ساعت شش بعدازظهر امضا کنیم والا فرمان به نیروها داده می‌شود عملیات را شروع کرده جلو بروند. در این صورت پس از وصول رضایتنامه از طرف

دولت قرارداد را امضا کردم. تنها نظریات آلمان به خصوص بعضی نکات [را] که مخالف این قرارداد بود تسلیم مارشال فیش نمودم و او قول داد این نظریات را در پاریس تقدیم نمایندگان متفقین نماید». قرار است فردا دولت آلمان در جواب استیضاح حزب وطنی دست راست توضیحات و جوابهای لازم راجع به امضای این قرارداد تجدید متارکه [را] بدهد.

### اعتصاب عمومی

اسپارتاکیست‌ها در حدود وستفالی - مرکز معادن زغال سنگ آلمان - به عملیات انقلابی مشغول شده، اعتصاب عمومی در آنجا برقرار و کارگران مسلح بر علیه دولت قیام کرده‌اند. از طرفی دولت قشون کافی بدان حدود برای استقرار امنیت گسیل داشته. در هر صورت موقعیت خطرناکی برای دولت در آنجا پیش آمده است. اهالی لهستان هم تحت تبلیغات متفقین به انقلاب سخت برخاسته [اند] و به طرف مغرب در حرکت می‌باشند.

### وضع هلند

امروز نامه‌ای از هلند از آقای نوری اسفندیاری داشتم. می‌گویند همه چیز در هلند فراوان و ارزاق از هر جهت خوب و ارزان و دلچسب است. جای تمام ایرانیان که در برلن در تنگی می‌باشند در هلند خالی است. نامه‌ای هم آقای کزازی از تهران وصول کرده و در این نامه نوشته‌اند که در این زمستان در تهران گرانی سخت و ناخوشی هم وفور دارد.

### حزب وطنی دست راست

چهارشنبه ۱۹ فوریه - دیروز در مجلس ملی استیضاحی از رزبرگر وزیر و رئیس میسیون آلمان که برای تجدید متارکه جنگ به فرانسه رفته بود صورت گرفت. حزب وطنی دست راست او را مسئول یک قسمت از مواد

فوق‌العاده سخت این قرارداد دانسته‌اند. در مقابل احزاب اکثریت از او دفاع کرده و استیضاح را بر له دولت پایان داده‌اند. بدیهی است امروز دیگر مبارزه حزب وطنی دست راست که از محافظه‌کاران سابق بوده [است] و پیوسته از جنگ طرفداری می‌کردند فایده‌ای ندارد. مردم از اظهارات آنها منزجر [ند] و آنها را مسبب خرابی آلمان می‌دانند. اگر این گونه احزاب نبودند شاید جنگ اتفاق نمی‌افتاد. شروع جنگ و ادامه آن بر اثر مساعی آنان است. همین گونه احزاب حامی امپراتور و حواشی او بوده [اند] و شاید مدتی نگذرد که دوباره همین حزب در مجلس اکثریت پیدا کند. ولی احتمال ندارد به این زودیه‌ها خرابیهای این جنگ و خونریزیهای این مبارزه فراموش شود و ملت آلمان دوباره برای میدان جنگ حاضر گردد. احتمال کلی دارد که تا مردم امروزی آلمان در قید حیات هستند مصائب این جنگ را فراموش نخواهند کرد. ولی طبقه بعد که می‌آید در مقام تلافی برآمده انتقام از حریفها بکشد.

امشب را قرار است با آقایان ناصرالاسلام و میرزا محمدعلی خان کلوب در سفارت آقای بواب را ملاقات [کنیم] و با ایشان راجع به جزئیات حرکت خودمان از برلن مذاکره نماییم.

### تیر خوردن به کلمانسو

پنجشنبه ۲۰ فوریه ۱۹۱۹ - دیروز صبح در پاریس یک نفر آنارشویست چند تیر به اتومبیل کلمانسو رئیس‌الوزرا انداخته، یک گلوله به بازوی کلمانسو اصابت و او را مجروح کرده است. از قرار اخبار پی‌درپی که از پاریس رسیده جراحت رئیس‌الوزرا خطرناک نیست و عنقریب خواهد توانست به مذاکرات صلح با نمایندگان متفقین بپردازد. زدو خورد میان قشون دولت آلمان و کارگران مسلح در حدود معادن زغال سنگ وستفالی در جریان است. از قرار راپورت‌هایی که روزنامه‌جات می‌دهند اعتصاب عمومی

طبق تبلیغات اسپارتاکیستها صورت نگرفته و نیروی دولت در مقابل انقلابیون در تضاد است.

### نواب و بازگشت ما

بعد از ظهر به سفارت ایران رفتم. تلگرافی از تهران برای آقای نواب رسیده بود. در آخر این تلگراف آقای اعتلاءالملک کفیل وزارت خارجه از نگارنده احوالپرسی نموده، سؤال می‌کند اگر عازم مراجعت می‌باشم و سائلس تا جایی که وزارت خارجه مداخله دارد تهیه شود. آقایان ناصرالاسلام و میرزا محمدعلی خان کلوب و علوی هم به سفارت آمدند. راجع به رفتن خودمان به ایران مذاکره مفصل در میان بود. در پایان مذاکرات قرار شد آقای نواب به آقای ممتازالسلطنه وزیر مختار ایران در پاریس نامه‌ای نوشته، درخواست جواز رفتن ماها را به ایران از طریق پاریس به دست آورد. این را هم نگفته نگذارم که آقای نواب با وجود محبت نسبت به آقایان ملیون و مهاجرین ایران در برلن که عده آنها هم روزبه‌روز زیاده‌تر شده، باطناً بی‌میل نباشند که هر چه زودتر این آقایان از برلن حرکت کرده، رفع زحمت از ایشان بشود. هر قدر هم این رحمت با تعارف ناقابل باشد بالاخره زحمت است و آقای نواب در این مدت طولانی جنگ بدون ابراز احساسات مخالفی متحمل زحمات زیادی بوده‌اند.

### کشته شدن رئیس الوزرای باویر

جمعه ۲۱ فوریه ۱۹۱۹ - امروز پیش از ظهر یک افسر سواره نظام آلمانی ۲۳ ساله رئیس الوزرای باویر را در جلو مجلس ملی آن ایالت به ضرب گلوله به قتل رسانید. منشی رئیس الوزرا که با او به اتفاق عازم مجلس بود قاتل را با گلوله از پا درآورد. رئیس الوزرای مقتول سردسته انقلابیون بود و

در ماه نوامبر که آتش انقلاب در باویر زبانه کشید خود را در رأس انقلابیون قرار داد، حکومت سابق را از میان برداشت و با کمک انجمن سربازان و کارگران خود را بر مسند ریاست وزرائی باویر مستقر گردانید. در آغاز کار موضوع تجزیه باویر را از آلمان به میان آورد و برای این موضوع شهرتی به خود داد. ولی بعد که هنوز نیروی دولت آلمان را قوی دید از این موضوع صرف‌نظر نموده به انتشار بعضی نوشتجات خصوصی وزارت خارجه باویر پرداخته، به مقصود اینکه مسئولیت این جنگ جهانی و خسارتی که از این جنگ نصیب ملت آلمان شده و به خصوص تحمیلات فراوانی که به ایالت باویر وارد آمده [است] به گردن دولت سابق امپراتوری آلمان وارد سازد. خصومت فوق‌العاده‌ای نسبت به احزاب دست راست آلمان که حامی جنگ بودند اظهار می‌داشت، اخیراً نیز از طرف باویر نمایندگانی به انجمن بین‌المللی سوسیالیستها اعزام داشته [بود] و در آنجا نطقهای پر حرارت علیه حکومت سابق آلمان ایراد می‌کردند.

### کشتن دو وزیر

رئیس الوزرا مقتول موسوم به آیزنر پنجاه و دو سال داشته و در روش چنان که گفته شد انقلابی بود و بالاخره در همان آتشی که برپا کرده بود سوخت. به قول آلمانها: «هر کس باد بکارد طوفان درو می‌کند». قتل آیزنر بر حدت انقلاب در باویر خواهد افزود، چنان که پس از قتل او دو نفر از وزراء را در داخل مجلس کشته و سومی را هم زخم منکری زده‌اند. انقلابیون در چندین مراکز دست به کار شده و کارگران را جداً تشویق به اعتصاب می‌کنند. در هر صورت زدو خورد سخت میان نیروهای دولتی و شورشیان در حدود وستفالی ادامه دارد. از قرار آخرین خبری که رسیده حالت کلمانسو رئیس الوزرای فرانسه چندان وخیم نیست و مرگ او را پیش‌بینی نمی‌کنند.

## وضع مونیخ

شنبه ۲۲ و یکشنبه ۲۳ فوریه - طبق آخرین اخباری که از مونیخ پایتخت باویر رسیده، اوضاع آن ایالت چندان خوب نیست. انقلابیون دسته‌ها در خیابانها و معابر مونیخ راه انداخته، به زور دکاکین و کارخانه و مغازه‌ها را بسته [اند و]، کارگران و سربازان را با خود همراه می‌کنند. بدیهی است خراب کردن و هرج و مرج برپا نمودن کار مشکلی نیست مخصوصاً برای مردم بیکار و بی‌معاش، مردمی که به امید چپاول روز و شب خود را می‌گذرانند و کاری جز خرابی ندارند. این وضع نه تنها در شهر مونیخ و باویر فراهم شده بلکه در تمام آلمان همین موقعیت را به خود گرفته. در برلن هم هر روز بیم انقلاب و هرج و مرج در پیش است. بسیاری از اشخاص از کارگران بیکار و دیگران با لباس سربازی و یا پلیسی در خانه‌ها داخل شده به عنوان تفحص و تفتیش برای اسلحه و یا آذوقه هرچه [را که] نزدیک به پول است و ارزش پولی دارد جمع کرده می‌برند. چنانکه عده‌ای از اشراف را در مونیخ گرفته به نام استبداد و ارتجاع و این گونه عناوین توقیف و اموال آنها را چپاول کرده‌اند. مطبوعات در مونیخ به کلی تحت توقیف است. اصلاً روزنامه‌ای در آنجا چاپ نمی‌شود. کار و کسب هم عجالتاً به کلی خوابیده و به خصوص به احترام قتل رئیس‌الوزرای انقلابی سه روز کسب و کار را توقیف و تعطیل عمومی کرده‌اند.

## وضع کلانسو

راپرت مختلف راجع به وضعیت مزاج کلانسو بر اثر زخمی که برداشته می‌رسد. از قرار معلوم اگر هم مدتی بستری باشد خطر مرگ برای او نیست، عنقریب از بستر بلند شده به قتل آلمانها خواهد پرداخت. از قرار آخرین خبری که رسیده متفقین عزم جزم دارند هر چه زودتر بساط صلح را بگسترانند زیرا وضع داخلی خود آنها نیز چندان روشن نیست و بیم آن می‌رود که آنها هم اوضاع بلشویکی شروع شود.

## وزیر مختاری ذکاءالدوله

از قراری که امروز از یکی از آقایان ایرانیان شنیدم ذکاءالدوله پسر مرحوم مهندس الممالک به عنوان وزارت مختار ایران در سویس وارد برن شده است. آقای عباسقلی خان نوری هنوز در هلند و منتظر جواز حرکت به طرف لندن می‌باشد.

## سختی زندگی در آلمان

دوشنبه ۲۴ فوریه - آتش انقلاب پیوسته در آلمان به حرارت خود می‌افزاید. تمام شهرهای جنوب آلمان در حال انقلاب است. کارگران دسته‌ها راه انداخته و سربازان بدانها ملحق شده [اند]، ادارات دولتی را ضبط و پرچم سرخ انقلاب و استقلال را بلند می‌کنند. عده زیاد بیکار و بی‌معاش بیشتر بدین هرج و مرج داخل می‌شوند. متفقین خوب فهمیده‌اند که هر قدر این سختی معاش و تنگی و قحطی ادامه پیدا کند کار آلمان سخت‌تر و از هم پاشیده‌تر خواهد شد، به قسمی که کار از دست هر حکومتی که روی کار آید خارج خواهد بود مانند اوضاع روسیه. قرب چهار ماه است که دیگر آتش جنگ در فروتنها خاموش شده [است] و متفقین به خوبی مسبوقند که آلمان با حالت امروزی حاضر برای جنگ نیست. مع هذا این اوضاع را ادامه داده [اند] و پیوسته سختی زندگی را برای آلمان شدیدتر و فقدان استراحت را زیاده‌تر می‌نمایند.

## بیکاری

آلمان امروز بدون اغراق میدانی است پر از جمعیت، فاقد اغذیه و امتعه و هر گونه مواد اولیه. مردم از تنگی معیشت به فریاد افتاده و استراحت و آرامش از این مملکت به در رفته است. مردم عموماً گرسنه و فاقد نیازمندیهای اولیه [اند] و کسب و کار تقریباً در حال تعطیل [است] و

کارخانجات به علت فقدان مواد اولیه دست از کار کشیده اند] و به کلی به حال تعطیل می‌باشند. به طور کلی مواد اولیه از قبیل پنبه و پشم و غیره برای کارخانجات اصلاً پیدا نمی‌شود. صدها کارگر که در کارخانه‌ها کار می‌کرده و معاش روزانه خود را به دست می‌آورده اند] امروز بیکار و بی‌نان زندگی می‌کنند. آدم بیکار و گرسنه طبیعتاً عاصی و تا حدی حاضر است به هر ترتیب که شد از هر راه قانونی یا غیرقانونی برای خود نان به دست بیاورد. در چنین مواقع مبلغین سیاسی نیز منتظر فرصت می‌باشند به محض اینکه فرصتی به دست آمد قدم جلو گذاشته، یک عده گرسنه [را] عقب سر خود انداخته دسته‌ای برای خود به وجود آورند. چنین دسته‌ها هستند که ایجاد هرج و مرج و انقلاب می‌کنند.

#### حکومت نظامی

از طرف دیگر حکومتها هم در چنین مواقع بی‌تقصیر نمی‌باشند. حکومت نظامی، حکومتی که به عقیده خودش حرفش قانون است، حکومتی که در مقابل حریفهای خارجی ایستاده قوای داخلی را تحریک می‌کند و هر گونه ناملايمات و حتی تعدیات را بر داخله به نام مقابله با خارجه روا می‌دارد و به زور شمشیر از تمام افراد مملکت اطاعت می‌خواهد، چنین حکومتی چندان دلسوزی نخواهد داشت. به قول یکی از سیاسیون حکومت نظامی در مملکت معز استبداد و ارتجاع است و حالت استبداد و ارتجاع خوب محسوس است. مع هذا بدترین موقعیت استبداد بهتر است از آنارشی. فقدان حکومت اساس زندگی را متزلزل و آرامش را برطرف [می‌کند] و مردم را از خانه و زندگی و مملکت متنفر می‌گرداند.

#### وضع گرانی

از تنگی و سختی امروزی آلمان برای خواننده محترم بنویسم: در اواخر

سال ۱۹۱۶ که به برلن آمدم قدری لباس متوسط با بعضی اشیای دیگر از لوازم زندگی برای خودم تدارک کردم. مثلاً پیراهن دانه‌ای ۴/۵ مارک. امروز پس از آنکه در تمام این مدت این ملبوسها را مورد استفاده قرار داده و تقریباً به کلی مندرس و از کار افتاده شده و حتی پارچه آنها زده شده است آنها را امروز به بیست برابر قیمت سه سال پیش از اینجانب می‌خریدند، ولی چون مورد نیاز خود اینجانب بود و معلوم نبود که در آینده هم چه خواهد شد لذا از فروش آنها خودداری کردم.

ویلسن رئیس جمهور امریکا وارد امریکا شده و خیال دارد پس از چند روز اقامت در امریکا مجدداً به اروپا مراجعت نماید.

#### اقدامات نواب

سه شنبه ۲۵ فوریه - امروز صبح آقای ناصرالاسلام با تلفن گفت که آقای نواب اقدامات لازم برای حرکت ایرانیان به طرف ایران معمول داشته‌اند، هم [در] پاریس به توسط سفارت ایران در پاریس اقدام کرده و هم در اینجا به توسط سفارت سویس تقاضای جواز لازم برای ایرانیان نموده‌اند و فی الحقیقه اقدامات ایشان مورث خوشوقتی است.

#### تیراندازی در برلن

طبق آخرین خبری که رسیده نادلنی به سمت مشاور سیاسی ریاست جمهوری انتخاب شده است. دیشب بازار تیراندازی در برلن رواجی داشت. از قرار معلوم انقلابیون باز خیال برهم زدن شهر برلن را دارند. اما از طرفی حکومت فعلی در صدد جلوگیری می‌باشد. ولی این نکته را باید دانست که امروز به قشون آلمان در چنین کارهای محلی اعتمادی نیست. بیشتر افراد قشون آلمان امروز به طرف چپ متمایل شده‌اند و خود را شریک انقلاب و چپاول می‌دانند. قشون از آن دیسیپلینی که داشت افتاده

[است] و افسران فرسوده از کار خارج می‌باشند. در مجلس ملی آلمان لایحه‌ای راجع به تشکیل قشون جدید پیشنهاد و مورد مذاکره قرار گرفته است.

#### اعتصابات

چهارشنبه ۲۶ فوریه - اعتصاب روزبه‌روز در آلمان در تزیاید است. در مرکز و جنوب تقریباً اعتصاب عمومی شروع شده [است]، حتی کارگران راه آهن دست از کار کشیده و آمد و رفت ترنها را راکد گذاشته‌اند. از دیروز تا به حال از برلن به طرف جنوب آلمان دیگر ترنی حرکت نکرده، در حقیقت یک ستیز سختی میان حکومت ملی امروزی آلمان و انقلابیون شروع شده است و چون انقلابیون روز به روز در تزیاید می‌باشند و از روی یک نقشه منظم کار می‌کنند و می‌خواهند به وسیله اعتصاب عمومی کار دولت، بلکه زندگی عمومی را راکد نمایند خیال خودشان را پیش می‌برند. همان انجمنهای کارگران و سربازان که دوره انقلاب را شروع و حکومت امروزی آلمان را به وجود آورده‌اند همان انجمنها برای ادامه حیات خودشان و تفریط تمکن عمومی این هرج و مرجها را جلو آورده [اند] که حکومتهایی به شکل حکومتهای روسیه ایجاد [کنند] و در هر محل خودشان حکمروایی بنمایند. حربه عمده‌ای هم که در دست آنهاست همین ترورها و اعتصابات عمومی است. اعتصابها را هم اغلب به زور ترور به میان می‌آورند.

آقای نواب را امروز ملاقات کردم. گفت چند روزی است در خصوص حرکت آقایان ایرانیان نامه‌ای به پاریس به آقای ممتاز السلطنه وزیر مختار آنجا نوشته و از ایشان درخواست کرده اقدامات لازم در باب حرکت این آقایان از برلن تا تهران بنمایند.

#### ورود نمایندگان اتریش

پنجشنبه ۲۷ فوریه - امروز شدت اعتصاب عمومی بیش از هر روز است و

بیم آن می‌رود که عنقریب برلن دچار آشوب سختی بشود. نمایندگان اتریش - اتریش اصلی، آن قسمت از کشور امپراتوری اتریش که گت‌های شرقی در زمان تهاجم بدین طرف اروپا مسکن خود قرار داده [بودند] و یکی از قسمتهای بسیار بارور آن که در دو طرف رود دانوب واقع و شهر مهم وینه پایتخت امپراتوری اتریش که حقیقتاً یکی از مهمترین و بهترین پایتختهای اروپایی است، می‌باشد و این قسمت، قسمت اصلی اتریش و اهالی آن اکثراً از نژاد ژرمن می‌باشند - دو روز است وارد برلن شده [اند] تا در اینجا راجع به منضم شدن اتریش به آلمان مذاکرات لازم با حکومت فعلی آلمان به میان آورند و در حقیقت نژاد ژرمن را از هر قسمت آلمان و اتریش سابق متحد و متفق نمایند.

#### دفاع لودندورف

ژنرال لودندورف معروف دیروز مصاحبه‌ای به روزنامه‌جات داد. او از خود دفاع می‌کند و می‌گوید برای فهم اوضاع اخیر جنگ و عملیات جنگی آلمان بایستی به گزارش دوساله جنگ نگاه کرد. در اواسط سال ۱۹۱۶ که افق این جنگ به علت دخول رومانی قدری تیره شده بود امپراتور آلمان فرماندهی جنگ را به او رجوع نمود. در همان سال به علت فتوحات در بالکان افق قدری روشن‌تر گردید. تدبیر جنگی لودندورف پیوسته بر این مصروف بود که از تمام قوا و عناصر داخلی استفاده کرده، جنگ را هرچه شدیدتر و سریعتر تعقیب نموده بلکه به طرف صلح نزدیکتر گردد. لودندورف می‌دانست که متفقین شکست قطعی آلمان را خواهان بوده [اند] و هیچ قصدی و هدفی به جز رسیدن بدین مقصود نداشته‌اند. چنان که اخیراً پس از ضعیف شدن آلمان همین نیت تحت شرایط متارکه جنگ خوب واضح و روشن گردید. همین نیت را متفقین از ابتدا تا به حال داشته [اند] و هیچ وقت از این خط منحرف نشده‌اند. در این دو سال که

لودندورف در رأس کار بوده هیچ وقت به گوشش نخورده [است] که متفقین طالب صلح باشند. اگر چنین چیزی را استنباط کرده بود فوراً به شخص امپراتور عقیده خود را اظهار و دولت آلمان را به صلح وادار می نمود.

### شکست آلمان

لودندورف طالب صلح بود ولی نه صلح به هر نحو و به هر قیمت. عقیده او بر این بود که به علت ادامه جنگ و مدافعه خوب ممکن می بود متفقین را از آن عزم جزم خود در درهم شکستن آلمان قدری منحرف ساخته، در راه صلح شرافتمندی وارد نماید. در روز ۸ اوت ۱۹۱۸ - روز افانسیو بزرگ متفقین - به او معلوم شد که دیگر دشمن را از راه ادامه جنگ نمی شود از خیال و نیت خود منحرف نمود. مدتی پیش از این تاریخ هم معلوم شده بود که از نیروی جنگی ملت آلمان کاسته شده، پس استفاده ادامه جنگ را دیگر نمی شود در فرونت جنگ از قشون آلمان به دست آورد. این بود همان روز هشتم اوت که به دولت آلمان پیشنهاد شد فوراً داخل مذاکرات صلح شده و اساس متارکه جنگ را به میان آورد. ولی باز در همان وقت هم عقیده لودندورف بر این نبود که فوراً شکست قطعی نصیب آلمان خواهد شد، بلکه چون دیگر خونریزی را بی فایده می دانست و نیروی آلمان را روز به روز رو به تحلیل می دید این بود که چنین پیشنهادی را به دولت نمود. مخصوصاً پس از شکست قطعی بلغارستان ادامه جنگ از این طرف بی فایده بود.

### نظر امپراطور

امپراتور آلمان که همیشه از جریان جنگ به خوبی مطلع بود و روز هشتم اوت به کلی از تجدید فتوحات آلمان ناامید شده بود برای متارکه جنگ و

به دست آوردن شرایط صلح متفقین حاضر شد. به طور کلی نیت امپراتور همیشه به طرف صلح منعطف بوده و همچنین نیت ولیعهد آلمان. میان امپراتور و ولیعهد هیچ گونه اختلاف نظری یافت نمی شد. بارها ولیعهد به خود لودندورف اظهار تمایل به طرف انعقاد صلح می نمود ولی صلحی که به هیچ طرف خسارات زیادی وارد نیامد. لودندورف حاضر است در هر محکمه بی طرفی صحت این اظهارات و بی تقصیری خودش را ثابت نماید تا از برای دنیا اشتباهی راجع به مقاصد آلمان و امپراتور و حکومت آلمان در تعقیب جنگ باقی نماند. آلمان تا آخر جنگ در حال مدافعه استقامت داشت و نیتش بر این بود که حیات خود را برابر نیت متفقین و شکست قطعی خود حفظ نماید. عقیده لودندورف و کلیه فرماندهان آلمانی روی همین اصل میهن پرستانه و خیرخواهانه بود و تاریخ هم صحت این روش را ثابت خواهد نمود.

### آینده صلح

از قرار اخباری که به تواتر از پاریس می رسد نمایندگان متفقین در آنجا با جدیت تام مشغول تدوین مواد صلح می باشند و مایلند قبل از اینکه آتش انقلاب در آلمان شدت یابد و از شعله آن خرابی عمومی جبران ناپذیری ایجاد شود کار صلح را به یک نتیجه قطعی برسانند. از قرار معلوم فرانسویها چندان عجله برای انعقاد صلح ندارند و مایلند کار آلمان روز به روز سخت تر و از هم پاشیده تر شود. از طرفی انگلیسیها و امریکاییها عقیده مندند اگر کار آلمان به کلی خراب شود آن وقت مشکل خواهد بود صلحی را که آنها در نظر دارند منعقد نموده به مقصود نایل آیند.

### تاریخ ولادت مؤلف

جمعه ۲۸ فوریه ۱۹۱۹ - طبق حسابی که با زحمت انجام داده ام امروز روز

ولادت تخمینی اینجانب می‌باشد، آنچه به خاطر دارم و از کسان نزدیک خود شنیده‌ام سه هفته پیش از عید نوروز در یک زمستان بسیار سختی در خانه موروثی خودمان در محله‌ای از کاشان به نام پشت مسجد میدان تولد اینجانب شده. ولی در چه سالی بوده، در پشت یک قرآن خانوادگی نوشته شده [بود] ولی متأسفانه این قرآن مفقود [شده] و تاریخ صحیح تولد من از میان رفته است. دنیا این قدر اهمیت ندارد که زندگی آن برای افراد اهمیت داشته باشد و دانستن تاریخ سن شخصی مانند اینجانب چه اهمیتی خواهد داشت. ولی در اینکه ثبت تولد، مانند ثبت وقایع تاریخی دیگر برای حیات اشخاص مانند زمانهای مختلف در تواریخ اقوام مختلف لازم است هیچ حرفی نیست. اداره ثبت نام، مانند سایر ادارات دیگر دولتی و محلی همان قدر لازم است. در اغلب جاهای اروپا تولد کودکان در دو جا ثبت می‌شود و همان طور تاریخ عقد و نکاح و به همان نحو تاریخ وفات؛ یکی در دفتر دولتی یا شهری یا محلی و دیگری در دفتر کلیساها و قبرستانها.

#### ثبت تولد در اروپا

هر بچه‌ای را در ممالک مسیحی پس از تولد غسل تعمید داده اسم می‌گذارند و در انجام همین عمل تعمید تاریخ تولد آن طفل را در همان کلیسا که کلیسای محل است ثبت کرده در دفاتر کلیسا حفظ می‌نمایند. هر کلیسایی از همان تاریخ تأسیس دفترخانه مخصوص دارد که در آن اسامی اطفال متولده محل که در آن غسل تعمید یافته‌اند و نیز عقد و نکاح‌ها و اسامی زنها و مردانی که در آنجا عقد و نکاح می‌شوند و نیز اسامی اموات که به توسط کشیش آن کلیسا دفن می‌شوند با اسم و رسم صحیح مرتب ثبت می‌شود. به همین ترتیب ثبت تولد و عقد و نکاح و وفات در دفتر ثبت دولتی یا شهری و محلی انجام می‌گیرد. برای ثبت هر تولدی از

دفترخانه ورقه ثبتی صحیح به آن طفل می‌دهند که در هر موقع زندگی برای او مفید باشد. فرضاً وقتی که طفل بزرگ شد و خواست مسافرتی به خارج نماید با نشان دادن این ورقه وصول تذکره مسافرت برای او آسان می‌شود و در کار استخدام و بعضی مشاغل دیگر نیز داشتن این ورقه ثبت مفید است.

#### ضرورت نام خانوادگی

برای عروسی و امثال آن رؤیت ثبت تولد نیز لازم می‌شود. اگر احیاناً ورقه ثبت مفقود شد ممکن است از اداره ثبت دولتی ورقه دیگری تحصیل کرد. در هر موقع شخص می‌تواند تاریخ تولد خود و حتی چندین پشت خود را به واسطه مبلغ کمی خرج معین نماید. ولی این را هم باید دانست که برای ثبت تاریخ تولد و غیره داشتن اسم خانواده لازم است. وضع اسامی که در ایران و در بعضی جاهای دیگر آسیا مرسوم است کار ثبت را به غایت مشکل بلکه غیر ممکن می‌گرداند. اگر هر کس اسم جداگانه داشته باشد چنان که در ایران رایج است پیوسته تکرار می‌شود ثبت نام مشکل بلکه محال است. فرضاً پدری به نام حسین پسری دارد به نام حسن و حسن پسری دارد به نام حسین و آن حسین پسری به نام حسن، در ثبت می‌بایستی تمام این اسامی فردی جداگانه تکرار شود و این تکرار شخص را در تمیز اسامی دچار اشتباه می‌کند.

#### توضیح درباره نامها

در ممالک اروپایی که دفاتر ثبت دارند هر شخصی اغلب دو اسم شخصی دارد و یک اسم خانواده. اسم خانواده‌ای را به طریق الفبا ثبت کرده و در پهلوی آن دو نام شخصی را می‌نویسند. نام خانواده بدون تغییر پشت در پشت می‌ماند و در موقع ثبت دفتر مکرر می‌شود و برای همان خانواده با

تغییر اسامی شخصی افراد مختلف آن خانواده تحریر می شود. فرضاً شخصی به نام شیبانی متأهل شده دارای دو پسر و یک دختر، یک پسر حسینقلی و دیگری حسنعلی و دختر خورشیدلقا. در اداره ثبت بدین طریق ثبت می شود: در ردیف ش ی ب شیبانی، آن وقت شیبانی، حسینقلی - شیبانی، حسنعلی - شیبانی، خورشیدلقا. دو پسر شیبانی که هر کدام باز شیبانی نامیده می شوند خانواده شیبانی را ادامه می دهند ولی خورشیدلقا نمی تواند خانواده را ادامه بدهد. [او] تا زمانی که شوهر اختیار نکرده به نام شیبانی نامیده می شود ولی زمانی که شوهر اختیار کرد به نام شوهر نامیده شده نام پدر و خانواده از او منتفی می گردد. ولی هر گاه به یکی از افراد خانواده خود ازدواج کرد همان نام خانوادگی شیبانی روی او می ماند. فرض کنیم حسینقلی شیبانی پس از ازدواج دو پسر پیدا می کند یکی مسمی به علیقلی و دیگری عباسقلی. دفتر ثبت باز بدین طریق ثبت نام می نماید: شیبانی، علیقلی، شیبانی، عباسقلی و نسر علیهدا. هر قدر این خانواده زیاد شوند خانواده شیبانی را زیادتر خواهد کرد و همین طور ممکن است سالها و صدها سال طول کشیده [شود] نام خانواده ها در دفاتر محصور است [هست] و رجوع به آنها آسان و یافتن هر تاریخی از آن سهل و منظم به دست آید. اگر بخواهید رجوع به دفاتر کنید فوراً به ردیف ش ی ب نظر انداخته نام شیبانی را پیدا کرده پشت در پشت این خانواده را معین کنید. بدین طریق: شیبانی، علیقلی تولد تاریخ..... عروسی تاریخ..... وفات تاریخ..... پسر: شیبانی، حسینقلی تولد تاریخ..... عروسی تاریخ..... وفات تاریخ..... و نس علیهدا. بدین طریق هر شخصی در مملکت شجره مخصوصی پیدا می کند. و این موضوع هم یکی از چیزهای مهم اجتماعی و تاریخی است که تا درست نشود ثبت [نام] اهالی یک مملکت و ترتیب انتخابات از هر قبیل و سرشماریها از هر نوع به طور صحیح غیر ممکن خواهد بود. از برای هر نوع احصایه ثبت لازم و از برای

ثبت نام، نام فامیل ثابت لازم است. این وضع غیر منظمی که اسامی اشخاص در ایران دارند به وضع فعلی، کار ثبت را غیر ممکن می نماید.

### وصول کارت و هدایا

در هر صورت امروز روز تولد تخمینی اینجانب است و به عادت آلمانها که در روز تولد افراد خانواده و دوستان و آشنایان نزدیک گل و هدایا فرستاده [می شود] و بسا نامه و کارت تهنیت می فرستند از برای اینجانب هم از طرف چند نفر از آلمانها گل و چشم روشنی فرستاده شده است. از میان اروپاییها آلمانها در این موضوع بیشتر مقیدند. آلمانها در چهار موقع پذیرایی مفصل راه می اندازند: اول در روز تولد. در این روز پدر و مادر طفل، افراد خانواده و دوستان و آشنایان خود را دعوت کرده پذیرایی مفصلی انجام می دهند. هر کس که بدین پذیرایی می آید به قدر رتبه خود گل و یا هدیه دیگری برای صاحبخانه می آورد. این پذیرایی از بعد از ظهر آغاز [می شود] و تا آخر شب ادامه دارد. می خورند و می آشامند و موسیقی می زنند و می رقصند.

دوم در موقع نامزدی. وقتی که دختر و یا پسر مرد یا زنی رسماً نامزد شدند آن وقت خانواده دختر و یا زن خویشان و دوستان نزدیک خود را دعوت کرده پذیرایی مفصل می دهند.

سوم در موقع عروسی. باز کسان عروس افراد خانواده و دوستان نزدیک را پذیرایی مفصل می کنند. در این موقع گل و هدیه بردن از لوازم است. به طور کلی آلمانها عادت دارند هر جا که می روند و به هر میهمانی که داخل می شوند از برای صاحبخانه گل می برند، مخصوصاً وقتی زن و مردی به دیدن زن و مرد دیگری می روند در این صورت بردن گل و هدیه لازم است. در وقت بیرون آمدن هم باید به مستخدم خانه انعامی بدهند. این دو مسئله تقریباً مخصوص آلمانها است. در سایر جاهای اروپا این قدر متداول نیست.

چهارم در موقع دفن مرده. در این موقع هم صاحب عزا فرضاً پسر بزرگ و یا پدر و مادر و یا زن و امثال آن از خویشان و دوستان نزدیک دعوت کرده پس از به خاک سپردن متوفی به منزل مراجعت کرده پذیرایی مفصلی راه می‌اندازند و اغلب در این مجلس وصیت‌نامه متوفی برای حضار خوانده می‌شود و در موضوع ارث هم شاید کشمکش میان وراث بشود.

اینجانب هم یک پذیرایی مختصری برای دوستان آلمانی خود ترتیب دادم تا نصف شب مشغول پذیرایی بودم و گل زیادی هم از برای اینجانب آورده بودند که بعداً خودم میان دوستان تقسیم نمودم.

#### اخبار تهران

شنبه اول مارس ۱۹۱۹ - صبح آقای علوی اطلاع داد که نامه‌ای از تهران از طریق لاهه به ایشان رسیده که تاریخ آن در شهر صفر گذشته است، در این نامه می‌نویسند که جمعی از دموکراتها را از قبیل [تقی] بینش و شیخ حسن خان که مشغول تبلیغات بر ضد رئیس‌الوزرا و دولت او بوده تبعید کرده‌اند. جمعی از دموکراتها نزد آقای مشیرالدوله رفته [اند] که او واسطه واقع شود و اذیتی به دموکراتها نرسد و فایده‌ای نبخشیده است. نیز در این نامه اطلاع داده شده [است] که آتش سوزی شدیدی در وزارت مالیه تهران اتفاق افتاده تمام دفاتر مالیه را سوزانده است.

#### منتشر نشدن روزنامه

اعتصاب در تزیاید است. امروز اعتصاب در برلن شروع شده، روزنامه‌جات بعد از ظهر از طبع بیرون نیامده‌اند. از قرار خبری که از ایتالیا رسیده میان ایتالیا و اسلاوهای جنوبی مناقشه‌ای درگیر شده [است] و احتمال زدو خورد سختی نیز می‌رود.

#### اعتصاب در آلمان

یکشنبه ۲ و دوشنبه ۳ مارس ۱۹۱۹ - این دو روز اعتصاب در آلمان عمومیت یافته و اهمیت وقایع دیگر را بر عهده فراموشی سپرده است. روزنامه‌جات بزرگ برلن از بعد از ظهر روز اول این ماه تعطیل شده تنها روزنامه‌های کوچک دست چپی گاهی اعلامیه‌ای انتشار می‌دهند. کارگران برلن روز دوشنبه سوم مارس پیش از ظهر انجمن کرده به اکثریت تصمیم گرفته‌اند که از عصر سوم مارس ساعت هشت بعد از ظهر اعتصاب عمومی را شروع کنند. از قرار معلوم اعتصاب عمومی در برلن و اطراف این شهر و بلکه در سایر جاهای آلمان که تا به حال کار می‌کرده‌اند از فردا شروع شود. روز سوم مارس بعد از ظهر در محله کارگران شلیک و تیراندازی زیادی شنیده می‌شد. نقداً اوضاع آلمان بسیار تیره است، اعتصابیون به هیچ چیز کمتر از حکومت بلشویکی روسیه در آلمان قانع نیستند.

#### مقاصد کارگران

این جنبش کارگران انقلابات شدیدی را در جلو دارد. شاید متفقین این آتش را باد می‌زنند، چه شود که همین آتش دامن خود آنها را هم بسوزاند و تمام منافع حاصله از فتوحات توده خاکستر شود. اگر متفقین محاصره دریایی را از آلمان برداشته بودند، اگر این اشکالات مادی و سیاسی را برای حکومت امروزی آلمان فراهم نمی‌نمودند کار بدین جا نمی‌کشید و کارگران آلمانی اوضاع بلشویکی روسیه را خواهان نمی‌شدند. اگر روسیه و آلمان هر دو بلشویک شدند آن وقت کشورهایی مانند ایتالیا و فرانسه چگونه خودشان را حفظ خواهند کرد؟ امروز کشمکش خونین میان کارگران و سرمایه‌داران شروع شده است. دیگر صحبت دموکراسی در میان نیست. کسی حکومت ملی نمی‌خواهد. کارگر می‌گوید به زور ترور و

اعتصاب عمومی حکومتی به میل خود ایجاد کرده، سرمایه‌داران را به دست آورده میان خود تقسیم کرده می‌خوریم. مدت زمانی سرمایه‌دار حکومت می‌کرده مدتی هم دوره کارگر است. این جنگ بزرگ به قسمی کارگران را نیرومند و به همان نسبت طبقات بالاتر را ضعیف گردانده [است] که کارگر می‌تواند هر قوه‌ای را حائز شود.

### سرمایه‌داران

سرمایه‌دار هم در این جنگ فوق‌العاده متمول گردیده به قسمی که از سنگینی سرمایه حرکت سریع برای سرمایه‌دار ممکن نیست. بیشتر این سرمایه را از راه‌های غیرمشروع به دست آورده و امروز از ترس در گوشه‌ای خزیده و خود را پنهان داشته است. بیشتر منافع جنگی چه برای مصارف آلات و ادوات جنگ و چه برای تدارک احتیاجات خوراک و پوشاک مردم بر سرمایه سرمایه‌دار افزوده شده است. هر مقاطعه‌چی کوچکی امروز دارای میلیونها تمکن شده [است] و اغلب یهودیها داخل این کارها بوده میلیونها دخل برده‌اند. سرمایه‌دار امروز از ترس از دست دادن سرمایه ساکت است. کارمندان دولت هم به علت ضعف دولت چندان خود را ظاهر نمی‌کنند. طبقات متوسط این قدر تحمل بار سنگین این جنگ را کرده [اند] که دیگر نیروی حرکتی ندارند لذا میدان برای کارگران خالی مانده است. هر ساعتی چیزی می‌طلبند. ساعتی تقاضای حوائج اقتصادی [دارند] و ساعتی پیرو مسائل سیاسی می‌شوند. سختی کار هم در اینجا است که امروز تمام نیازمندیهای مردم در دست کارگران است. تمام لوازم زندگی از آب و خوراک و گاز و برق و غیره به دست کارگران در کارخانه‌ها تهیه می‌شود. اگر کارگر دست از کار کشید زندگی عموم مردم مشکل می‌شود. به علاوه به واسطه این انقلاب بیشتر کارگران آلمانی امروز مسلح می‌باشند. وقتی سربازان از فرونت جنگ به خانه خود

برمی‌گردند با تمام اسلحه و آلات و ادوات جنگی که در دست آنهاست و از دست نداده [اند] در صف کارگران داخل می‌شوند. با زور از حکومت درخواستهای سخت می‌کنند و حتی کارگران معتدل را هم به اعتصاب وامی‌دارند.

### آلمان مثل روسیه

کشوری مانند آلمان امروزی که علی‌الظاهر صاحب ندارد و دشمن با شمشیر کشیده جلوش ایستاده است به همین ترتیب امروزی آلمان مبتلا می‌شود. از یک طرف پس از سالیان دراز فشار تحت استبداد نظامی و از طرف دیگر سختی و گرسنگی در مدت چهار سال و نیم جنگ، [موجب شده که] مردم عاصی گردیده نه تنها حکومتی نمی‌خواهند بلکه هر گونه حدودی را هم مخالف میل خود می‌دانند و می‌خواهند از میان بردارند. همین طور بود وضع روسیه در دو سال گذشته و به همین نحو است وضع امروزی آلمان. این آتش از شرق اروپا شروع شده به طرف غرب می‌رود. زیادتی طمع، زیادتی ثروت، زیادتی نخوت و غرور فوق‌العاده مادی و فقدان معنویات و روحیات خودپرستی فوق تصور و بی‌رحمی فوق‌العاده و بالاخره وضع هولناک تمدن مادی امروزی موجد این هیجان عمومی و هرج و مرج دامن‌دار امروزی اروپا شده است. سرمایه‌داری را که زاینده تمدن و آزادی مادی امروزی است هیچ چیز خراب نمی‌کند مگر همین فکر بلشویزم.

### حرکت معکوس

همان‌طور که اخلاق و عادات بعضی از ملل مورت اضمحلال آنها گردیده [است] همان‌طور مادیات امروزی مخرب بنیان آرامش می‌شود. خیلی جای تأسف است که چنین آتشی مشتعل گردیده خوب و بد را با هم

می سوزاند، جای تأثر است که آثار تاریخی تمدن بر طرف گردد. از ترقی و آزادی فکر نباید کاسته شود. دنیا را نباید عقب برد. همان قدر که جنگ و خونریزی از ترقی تمدن جلوگیری می کند این گونه هرج و مرج ها و انقلابات همان طور دنیا را از سیر خود باز می دارد. شاید همین گونه انقلابات شدیدترین استبداد امپریالیزم و بالاخره سرمایه داری را رواج دهد. به حکم طبیعت هر حرکتی حرکت معکوسی تولید می کند. همان طور که استبداد حکومت تزاری و یا نظامی، حکومت بلشویزم [را] به وجود آورده، همان طور بلشویزم به شکل دیگر استبداد شدیدتری را به وجود خواهد آورد، تا آتیه چه حکم کند.

#### امریه فرمانده متفقین

فرمانده قشون متفقین در آلمان امریه ای صادر کرده که قشون متفقین به هیچ قسم دخالتی در نمایش کارگران ننمایند و هر کجا که زد و خورد شروع شد قشون متفقین فوراً از آن محل خارج شده پس از استرداد امنیت مراجعت کنند.

#### اعتصاب عمومی

سه شنبه چهارم مارس [۱۹۱۹] - اعتصاب عمومی در برلن شروع شده، امروز دیگر راه آهن زیرزمینی تراموای الکتریکی و اتوبوسها و کلیه وسائل حمل و نقل به استثنای درشکه های کهنه و اتومبیل های از کار افتاده حرکت نمی کنند. رفت و آمد در داخل شهر بسیار مشکل شده. کارخانه ها بالتام از کار افتاده و کارگران در حال اعتصابند. دیشب در بعضی جاهای شهر تصادم خونین میان شورشیان و قشون واقع شده عده ای مقتول و زخمی شده اند. شهر به کلی در دست نظامیان است. ناامنی در همه جا پدیدار می باشد. چون روزنامه ها در حال تعطیل می باشند اخبار تازه ای به

گوش نمی رسد. از حکومت وایمار هم خبری نیست. امروز بعد از ظهر تلفن ها هم قطع شد. تلگراف و پست هم به کلی در حال تعطیل می باشد. از تقاضاهای اعتصابیون اخباری نرسیده. ولی آنچه معلوم است کارگران چند کارخانه تقاضای حکومت بلشویکی کرده اند و تأسیس محکمه عالی نظامی را برای محاکمه امپراتور و بلهلم و پسر او و لیعهد سابق و هندنبورگ و لودندورف خواهان می باشند.

#### وصیتنامه مؤلف

وضع ایرانیان مقیم برلن در این موقع محتاج به توصیف نیست؛ از یک طرف فقدان وسائل زندگی و از طرفی فقدان آرامش و [وجود] هرج و مرج و انقلاب عمومی در شهر که حتی عبور و مرور و گردش در خیابانها را هم مشکل کرده است. از این رو باید تمام روز را در اتاقها مانده در انتظار استقرار امنیت و برقراری نظم باشند. امروز اینجانب وصیتنامه خود را در دو نسخه نوشته در جوف دو پاکت سر به مهر گذاشته، نسخه ای را برای آقای میرزا محمدخان قزوینی و دیگری را برای آقای میرزا حبیب الله خان شیبانی فرستادم که اگر مسافرت به ایران عملی نگردید و به مسافرت دنیای دیگر منجر گردید لاقلاً کسان من از اوضاع آخر زندگانی نگارنده در این مسافرت غم انگیز مسبوق باشند.

#### روزنامه ها

چهارشنبه پنجم مارس - اعتصاب عمومی ادامه دارد. حکومت فعلی حالت محاصره اعلام کرده و در برلن و اطراف شهر که اعتصاب عمومی در جریان است و انقلابیون به هرج و مرج کردن اوضاع پرداخته اند، قوانین متعارفی را عجالتاً تعطیل و اوضاع عمومی را به دست نظامیان سپرده است. نظامیان تمام عمارات دولتی و شهری و نظمی و غیره رادر